

احمد بن اسحاق اشعری قمی و گزارش سه بنای منسوب به او

مهدی سلیمانی آشتیانی

چکیده

احمد بن اسحاق اشعری قمی از راویان برجسته امامی و از اصحاب امام جواد، امام هادی و امام عسکری علیه السلام به شمار می آید. وی از یازده شیخ و استاد روایت می کند و بیست و سه نفر از راویان شیعی شاکرد و راوی او هستند.

احمد بن اسحاق همچنین وکیل ائمه در قم بوده و به زیارت حضرت ولی عصر علیه السلام نائل شده است.

رجالیان و محدثان متقدم، همه وی را به امانت و وثاقت ستوده اند و آثار حدیثی چندی نیز برایش گزارش کرده اند. وی در حلوان درگذشت.

شرح حال احمد بن اسحاق و گزارشی از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام در قم که بنا به مشهور به امر امام عسکری علیه السلام بنا کرده است و همچنین مطالبی در مورد مرقد و مزار او در سر پل نهاب و مرقد منسوب به او در قم، از مباحث طرح شده در این مقاله است.

کلیدواژه ها:

احمد بن اسحاق اشعری،

اشعریان، قم، وکالت، امام حسن

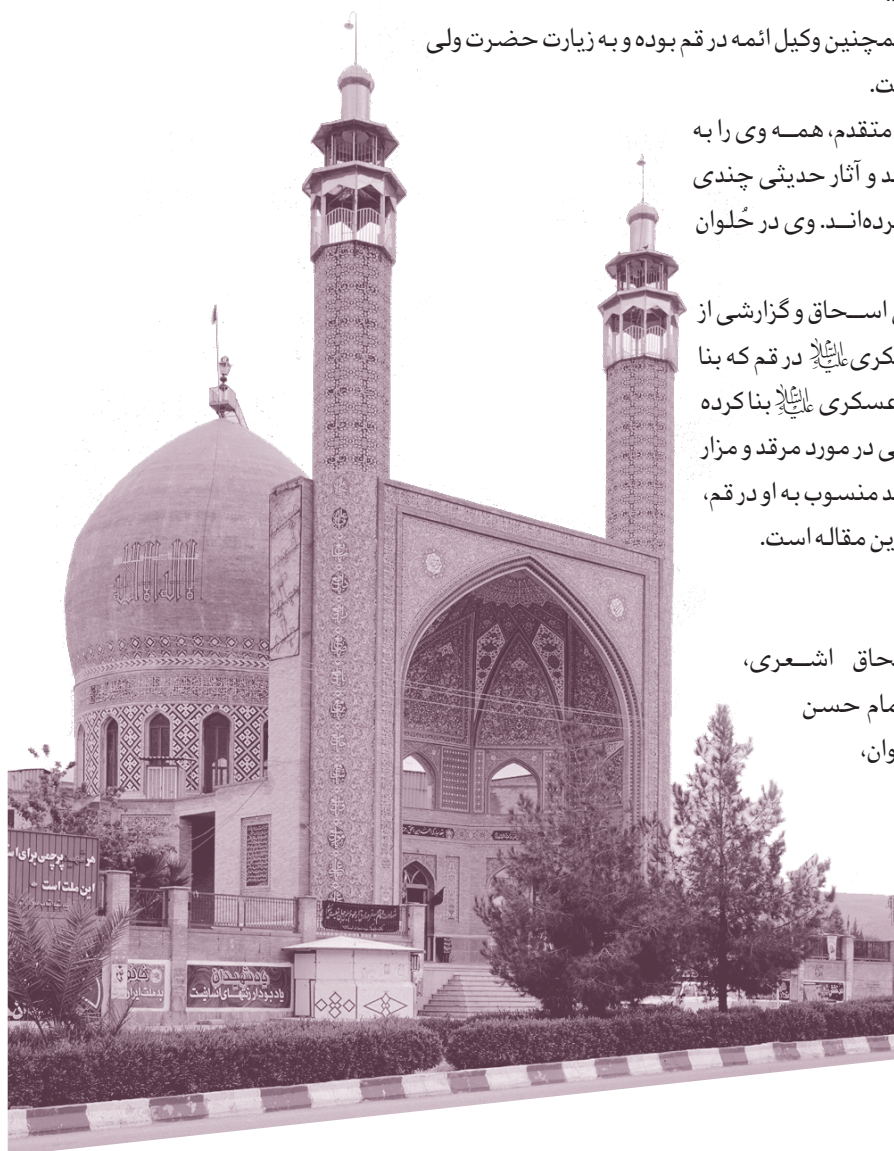
عسکری علیه السلام، حلوان،

بقعه شاهزاده

ناصر الدین،

مسجد امام حسن

عسکری علیه السلام.



جناب احمد بن اسحاق اشعری قمی رحمته الله از رجال برجسته شیعه در قم و از کسانی است که توفیق مصاحبت با چهار امام همام را داشته است. وی همچنین مقام نیابت و وکالت امام زمان علیه السلام را در قم دارا بوده و همه رجالیان او را به وثاقت و نیکی ستوده‌اند. در این نوشتار خُرد، تبار و دودمان، زیست‌نامه و همچنین معرفی سه بنا که به نوعی ارتباط با این مرد بزرگ دارد خواهد آمد.

اشعریان در تاریخ

اشعریان یا بنو اشعرا^۱ طایفه بزرگی از عرب‌های قحطانی هستند که به نبت بن ادد بن زید بن یشجب بن عرب بن زید بن کهلان معروف به اشعر منسوب هستند^۲. در برخی منابع معاصر از آنها به اشاعره هم یاد کرده‌اند که وجهی برای آن سراغ نداریم^۳.

به نوشته کلبی، «اشعر» هفت پسر داشته که هر کدام از آنها سرسلسله قبیله‌ای شدند^۴. این قبایل پیش و بعد از اسلام در نواحی مختلفی منزل داشته و پراکنده بوده‌اند که یمن، حجاز، عراق، مصر، شام و ایران از مناطق آنهاست.

اشعریان پس از طلوع اسلام

تاریخ قم جریان اسلام آوردن مالک بن عامر اشعری را آورده که ظاهراً می‌رساند او نخستین نفر از اشعریان است که به اسلام گرویده است^۵، ولی در منابع مشهور، قصه اسلام آوردن جمعی از اشعریان در غالب «وفد الأشعریین» تکرار شده است. در این اخبار از ابوموسی اشعری و برادرانش و دیگریانی ذکر شده که از راه دریا به حجاز آمدند و به مدینه و حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشرف شدند و پیامبر قبل از آمدن ایشان از ورودشان خبر داده بود و آنها را به گرمی پذیرایی فرمود^۶.

اشعریان در مدینه حضور داشتند و ابوعامر اشعری از بزرگان آنها در جنگ حنین به شهادت رسید^۷. آنان پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در تحولات سیاسی نیم قرن اول به دسته‌ها و گروه‌های گوناگون تقسیم شدند و در عراق و شام و ایران پراکنده بودند. بزرگانی از ایشان در کوفه ساکن شدند. از جمله آنان می‌توان از سعد بن مالک بن عامر اشعری نام برد که در ایام خلافت عثمان بن عفان، نزد وی به شراب‌خواری ولید بن عقبه،

عبدالله بن سعد معروف به عبدالله سعدان بود که در قم و کمیدان ساکن شدند و ریاست یافتند.^{۱۳}

در مورد نحوه و سال ورود اشعریان به قم دو نوع گزارش وجود دارد: گزارش نخست، استقرار اشعریان در قم را صلح‌آمیز نشان می‌دهد و گزارش دیگر اسکان آنها را قهرآمیز معرفی کرده است.

در مورد سال ورود اعراب اشعری به قم اتفاق نظر وجود ندارد. برخی گزارش‌ها سال ۸۳ هـ. ق و برخی دیگر سال ۹۴ هـ. ق را زمان ورود آنان به قم اعلام کرده‌اند. یاقوت حموی ورود آنان را سال ۸۳ هـ. ق دانسته، تسلط آنها را بر منطقه قهرآمیز می‌داند.^{۱۴}

حسن بن محمد حسن قمی روایات متعددی را درباره مهاجرت فرزندان سعد بن مالک اشعری از کوفه ذکر کرده است؛ از جمله این که احوص پسر سعد بن مالک در شورشی شرکت کرده بود و پس از سرکوب شورش به زندان افتاد. برادرش عبدالله بن سعد به سبب نفوذ و شوکت فراوان، از حجاج بن یوسف آزادی او را درخواست کرد.^{۱۵} همچنین گفته

امیر کوفه شهادت داد.^۸ سائب بن مالک نیز از بزرگان شیعیان کوفه و مردی جنگاور از یاران مختار بن ابی عبیده ثقفی بود و در ۶۷ ق در مصاف با لشکر مصعب بن زبیر کشته شد.^۹ فرزندان سعد و سائب در سده اول، در امور سیاسی عراق و ایران و مبارزات ضد اموی شرکت داشتند و بعضی از آنها به امارت برخی از شهرهای ایران نیز منصوب شدند. پس از قتل محمد بن سائب در کوفه به دست حجاج، فرزندان او و دیگر اعضای خاندان اشعری تحت تعقیب قرار گرفتند و ناچار عراق را رها کردند و به جاهای دیگر و از جمله به قم کوچیدند.^{۱۰}

پایگاه اشعریان در قم

یعقوبی (م ۲۸۴ ق) در ذکر قم و کمیدان می‌نویسد: «و أهلها الغالبون علیها قومٌ من مذحج^{۱۱}، ثم من الأشعریین و...»^{۱۲}.

سمعانی در الأنساب از کتاب تاریخ ابوالوفای اخیسکتی می‌نویسد، کسانی از بنی اشعر از جمله عبدالله و احوص و اسحاق و نعیم و عبدالرحمن، فرزندان اسعد بن مالک بن عامر اشعری، به ناحیه قم رفتند، رئیس آنها

شده که به علت بدرفتاری احوص اشعری با روستاییان ایرانی، حجاج وی را زندانی کرده بود. تمام گفته‌ها شدت عمل و خشونت حجاج نسبت به خاندان سعد بن مالک اشعری و زندانی کردن آنها را حکایت می‌کند؛ از این رو آنان تصمیم به جلای وطن گرفتند. ابتدا احوص و دو برادرش نعیم و عبدالرحمن به طرف بصره حرکت کردند. سپس عبدالله بن سعد به آنان پیوست.^{۱۶} آنان به قریه ابرشتجان از ناحیه قم رسیدند و در آنجا نخستین بار با ایرانی‌ها روبه‌رو شدند. به نظر می‌رسد آنچه منجر به تقویت تماس آنها شد، دفع حمله دیلمی‌ها از ناحیه قم توسط اعراب اشعری بود.^{۱۷} ایرانی‌ها به اعراب اجازه سکونت دادند و اعراب تضمین امنیتی منطقه را برای ایرانی‌ها به وجود آوردند و در کنار آنان سکونت گزیدند. برخی معتقدند ماندگار شدن آنان در منطقه قم مسالمت‌آمیز بود؛ زیرا تعداد اعراب اشعری به حدی نبوده است که بتوانند در برابر ایرانی‌ها به زبان شمشیر سخن گویند و به طریق قوه قهریه بر منطقه استیلا یابند. افزون بر این، آنان از سوی مرکز خلافت عراق

تحت تعقیب و پیگرد بودند و مجبور بودند با ملایمت و آرامش برخورد کنند؛ لذا همزیستی مسالمت‌آمیز بین اشعریان و ایرانیان برقرار می‌شود.^{۱۸}

گرایش مذهبی اشعریان

درباره مذهب اشعریان ساکن کوفه و دیگر مناطق، با توجه به گرایش‌های قبایل و افراد و موضع‌گیری آنها نسبت به مسایل مختلف نمی‌توان به صورت جزم و اطمینان اظهارنظر کرد. قیام مالک بن عامر اشعری علیه حکومت اموی نیز رنگ و بوی شیعی به معنای مصطلح ندارد^{۱۹}، اما با ورود اشعری‌ها به قم، رنگ و بوی تشیع در این شهر و مناطق هم‌جوار به وضوح بالا گرفت و خیلی زود قم به عنوان یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های تشیع در منطقه «جبال» و همه ایران مطرح شد.

از میان آنها عالمان و فقیهان و محدثان و متکلمان بزرگی برخاستند که نقشی برجسته در تاریخ تشیع امامی در ایران و غیر آن داشته‌اند. موسی بن عبدالله شاید اول کسی باشد که در قم اظهار تشیع کرد و دیگران به او اقتدا کردند.^{۲۰} چهره قم با تشیع از این به بعد کاملاً درهم آمیخته شده است؛

مالک اشعری، از راویان حدیث که از امام صادق و امام رضا علیهما السلام روایت نموده است؛

۵. ادريس بن عبدالله بن سعد اشعری، از بزرگان شیعه و از راویان حدیث که از امام رضا علیه السلام روایت نموده است؛

۶. زکریا بن ادريس بن عبدالله بن سعد اشعری مشهور به ابوجریر قمی، از راویان حدیث که از امام صادق و امام رضا و امام ابی الحسن علیهما السلام روایت نموده است؛

۷. سهل بن الیسع بن عبدالله بن سعد اشعری، از راویان حدیث که از امام موسی کاظم و امام رضا علیهما السلام روایت نموده است؛

۸. عبدالله بن عامر بن عمران ابن ابی عمر اشعری، از راویان حدیث و از بزرگان و علماء امامیه در قم؛

۹. عبدالعزیز بن المهتدی بن محمد بن عبدالعزیز اشعری، از راویان حدیث که از امام رضا علیه السلام روایت کرده است؛

۱۰. علی بن محمد بن علی بن سعد اشعری قزدانی مشهور به ابن متویه، کتابی به نام النوادر الکبیر را به او نسبت می دهند؛

از این رو درباره قم گفته اند: «مردم قم همگی مذهب شیعه دارند»^{۲۱} و بر «مذهب خود تعصب می ورزند»^{۲۲} «و هیچ سنی در میان آنها یافت نمی شود»^{۲۳} و «چون ذکر قم برفت، ذکر مذهب، بی فایده باشد، که قمی الا شیعه نباشد»^{۲۴}.

تاریخ قم نام شمار زیادی از اشعریان را که در قم سکونت کرده اند آورده که مرحوم معلم حبیب آبادی آنها را استخراج و مرتب کرده است^{۲۵}.

نام شماری از بزرگان اشعریان به شرح زیر است:

۱. احوص بن سعد بن مالک اشعری، نخستین کسی که آتشکده قم را (پیش از سال ۹۸ ق) ویران کرد و به جای آن مسجدی بنا نهاد؛

۲. یسع بن عامر بن عمران اشعری، نخستین کسی که در قم دارالخراج ساخت؛

۳. سعد بن سعد بن الاحوص بن سعد بن مالک اشعری، از راویان حدیث که از امام رضا و امام جواد علیهما السلام روایت نموده و در زمینه حدیث تألیفاتی داشته است. از او به عنوان (تفه) یاد کرده اند؛

۴. اسحاق بن عبدالله بن سعد بن

۱۱. علی بن الریان بن الصلت اشعری، از روایان حدیث که دارای کتابی به نام منشور الأحادیث بوده است؛

۱۲. علی بن اسحق بن عبدالله بن سعد اشعری، از روایان حدیث که کتابی نیز داشته است؛

۱۳. عیسی بن عبدالله بن سعد بن مالک اشعری، از روایان حدیث که از امام صادق و امام رضا علیهما السلام روایت نقل کرده و کتابی به نام مسائل الرضا علیه السلام داشته است؛

۱۴. محمد بن عیسی بن عبدالله اشعری، از بزرگان اشعریان که نجاشی در رجال خود از او با عبارات (شیخ القمیین، وجه الأشاعره و متقدم عند السلطان) یاد می‌کند. خدمت حضرت رضا علیه السلام شرفیاب شد و از آن حضرت و امام جواد علیهما السلام روایت نمود و کتابی به نام الخطب داشته است؛

۱۵. اسماعیل بن آدم بن عبدالله بن سعد اشعری، از روایان حدیث است؛

۱۶. اسحق بن آدم بن عبدالله اشعری، از محدثان که از امام هشتم علیه السلام روایت نموده است؛

۱۷. زکریا بن آدم بن عبدالله بن سعد اشعری، از فقیهان بزرگ شیعه

که از مقام و منزلت والایی برخوردار بوده است تا آنجا که امام رضا علیه السلام مردم را جهت آموزش مسایل دینی به او ارجاع می‌داده و درباره او فرموده است: «زکریا بن آدم القمی المأمون علی الدین و الدنیا»^{۲۶}. کتاب‌هایی در حدیث داشته است. قبر او در قم و در قبرستانی است که به احترام قبر او و یکی دیگر از اشعریان، به قبرستان شیخان معروف است؛

۱۸. آدم بن اسحق بن عبدالله اشعری، از روایان موثق حدیث؛

۱۹. مرزبان بن عمران بن عبدالله اشعری، از روایان حدیث که از امام رضا علیه السلام روایت نموده و دارای کتابی بوده است؛

۲۰. حمزه بن یعلی اشعری - ابو یعلی قمی - از روایان حدیث که از امام رضا و امام جواد علیهما السلام روایت نموده؛

۲۱. الریان بن الصلت اشعری (ابوعلی قم) از فقهاء و روایان حدیث است. دارای کتابی به نام الفرق بین الآل و الأمة بوده است. دو پسر او علی و محمد هر دو از روایان حدیث بوده‌اند؛

۲۲. محمد بن الریان بن الصلت،

۲۶. احمد بن ادریس بن احمد اشعری (ابوعلی) از راویان حدیث و فقهای امامیه در قرن سوم هجری، نجاشی از او با عبارات «کان ثقة، فقیهاً فی أصحابنا، کثیر الحدیث» یاد می‌کند. او در سال ۳۰۶ ق در راه مکه درگذشت؛

۲۷. الحسن ابن علی الزیتونی الأشعری، از راویان حدیث و دارای کتاب نوادر بوده است؛

۲۸. الحسن بن عبدالصمد بن محمد بن عبیدالله اشعری، او و پدرش هر دو از راویان موثق حدیث بوده‌اند دارای کتاب نوادر بوده است؛

۲۹. الحسین بن محمد ابن عمران بن ابی‌بکر اشعری، از راویان حدیث و دارای کتاب نوادر بوده است.^{۲۷}

فضایل و امتیازات زیادی برای خاندان اشعری در کتاب‌های تراجم و حدیث شیعه نقل شده است. از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده است که فرمود: «اللهم اغفر للأشعریین صغیرهم و کبیرهم»^{۲۸}.

علامه مجلسی در بحار الأنوار صفحات زیادی را به ذکر فضائل و احادیث وارده درباره اشعریان اختصاص داده است.^{۲۹}

دارای کتاب مسائل أبی الحسن العسکری بوده است؛

۲۳. عبدالعزیز بن المهتدی بن محمد بن عبدالعزیز اشعری، از راویان موثق حدیث که از امام رضا علیه السلام روایت نموده و دارای کتابی بوده است؛

۲۴. موسی بن الحسن بن عامر بن عمران بن عبدالله بن سعد اشعری (ابوالحسن) فقیهی والامقام که نجاشی از او با عبارات (ثقه، عین، جلیل) یاد کرده است. سی کتاب تألیف کرده که از آن جمله کتاب‌های طلاق، وصایا، فرائض، فضائل، حج، الحرمة، الصلاة، الزکاة، الصیام، یوم و لیلۃ و الطب است؛

۲۵. محمد بن علی بن محبوب اشعری، از فقیهان والامقام امامیه که نامش در سلسله اسناد بسیاری از روایات آمده است. نجاشی ضمن تجلیل فراوان از او درباره‌اش می‌گوید: «شیخ القمیین فی زمانه، ثقة، عین، فقیه، صحیح المذهب». در مسائل فقهی کتاب‌های فراوانی از خود بر جای گذاشت؛ از آن جمله کتاب‌های النوادر، الصلاة، الجنائز، الزکاة، الحدود، الدیات و الثواب است؛

پدر احمد بن اسحاق

اسحاق بن عبدالله بن سعد بن مالک الاشعری از راویان ثقه و از چهره‌های درخشان خاندان اشعری است. نجاشی در معرفی و توثیق او می‌نویسد: «قمی ثقه. روی عن ابي عبدالله و ابي الحسن و ابنه أحمد بن اسحاق مشهور. أخبرنا أحمد بن عبدالواحد عن علی بن حبشی عن حمید عن علی بن بزرج عنه».^{۳۰} شیخ طوسی در رجال او را در شمار اصحاب امام صادق علیه السلام ذکر کرده است.^{۳۱} همچنین ابن داود و علامه حلی به وثاقت وی تصریح کرده‌اند.^{۳۲} شیخ عالی مقام ابو جعفر طوسی در دو کتاب تهذیب و استبصار و همچنین در المجالس خود روایاتی را به سند خود از ابن ابی عمیر از اسحاق بن عبدالله اشعری از امام صادق علیه السلام نقل کرده است.^{۳۳} شیخ طوسی به سند خود از سهل بن الیسع اشعری از اسحاق بن عبدالله از امام کاظم علیه السلام نیز نقل کرده است.^{۳۴} با این وصف، او محضر نورانی امام صادق و امام کاظم علیه السلام را درک کرده است. ابن ابی عمیر، زکریا بن آدم و سهل بن الیسع سه شاگرد او هستند

و گذشت که به تصریح نجاشی علی بن بزرج نیز شاگرد دیگر او است. مأخذ برخی که احمد بن زید را نیز در شاگردان وی آورده‌اند دانسته نشد. همچنین او را به استناد شیخ طوسی دارای کتاب دانسته‌اند که در مطالب شیخ طوسی چنین چیزی یافت نشد.^{۳۵}

صاحب وسائل روایتی را از کافی نقل می‌کند که در سند آن «علی بن أحمد بن اسحاق الأشعری عن عبدالله بن سعید الدغشی» وجود دارد. با این سند به نظر می‌رسد «علی» فرزند احمد بن اسحاق باشد.^{۳۶}

از آنجا که عبدالله بن سعید الدغشی در طبقه امام صادق علیه السلام است و اسحاق بن عبدالله اشعری نیز مانند اوست، نمی‌توان گفت نوه او نیز در همین طبقه باشد.

با نظر به متن کافی که صاحب وسائل از آنجا نقل کرده است، مشخص می‌شود در نقل صاحب وسائل اشتباهی رخ داده و سند صحیح «علی بن اسحاق» است که با این وجود مشکلی نخواهد بود و این علی، عموی احمد بن اسحاق است.^{۳۷}

«کتاب» حدیث و یا به تعبیر جناب شیخ طوسی «اصل» نیز بوده است. کَشّی از او به «خیر فاضل» یاد کرده است.^{۴۸}

۵. ابوالحسن عبدالرحمن سعدان بن مسلم عامری؛ نام او عبدالرحمن و مشهور به سعدان است. عمری طولانی داشت و از حضرات امام صادق و امام کاظم علیهما السلام روایت دارد. دارای «کتاب» نیز بوده است.^{۴۹}

۶. أبوهاشم داود بن القاسم الجعفری؛

او از راویان و اصحاب جلیل القدر است که نزد ائمه اطهار علیهم السلام دارای مقام و موقعیت بوده است. خدمت امام رضا، امام جواد، امام هادی، امام عسکری و امام عصر علیهم السلام رسیده، اخباری را نقل کرده و کتابی نیز داشته است. وی از اولاد جعفر بن ابی طالب و هاشمی است.^{۵۰}

۷. عبدالله بن میمون بن الاسود القداح؛

از ثقات و بزرگان اصحاب و راوی امام صادق علیه السلام است. کَشّی روایتی در مدح او از امام باقر علیه السلام نقل کرده است. وی دارای «کتاب» نیز بوده است.^{۵۱}

۸. یاسر الخادم الرضا علیه السلام

پدر، اجداد و برادران اسحاق بن عبد الله از مشاهیر خاندان اشعری بوده‌اند. برخی از ایشان عبارت‌اند از: آدم،^{۳۸} ادريس،^{۳۹} ابو بكر،^{۴۰} شعيب،^{۴۱} عبد الملك،^{۴۲} عمران،^{۴۳} عيسى،^{۴۴} موسی،^{۴۵} الیسع^{۴۶} و یعقوب.^{۴۷}

مشایخ احمد بن اسحاق

با نگاهی به اسناد روایاتی که از احمد بن اسحاق رسیده است، مشایخ و اساتید او به دست می‌آید. ابتدا نام سه امام بزرگوار شیعه را به عنوان تیمم و تبرک در صدر مشایخ ذکر کرده و آنگاه به مشایخ وی اشاره می‌کنیم:

۱. حضرت ابی جعفر الثانی محمد بن علی الجواد علیه السلام؛

۲. حضرت ابی الحسن الثالث علی بن محمد الهادی علیه السلام؛

۳. حضرت ابی محمد حسن بن علی الزکی العسکری علیه السلام؛

۴. ابومحمد بکر بن محمد بن عبدالرحمن بن نعیم ازدی غامدی؛

او از طایفه جلیل القدر آل نعیم در کوفه و از ثقات اصحاب و راویان امام جعفر بن محمد الصادق و امام موسی بن جعفر الکاظم علیهما السلام بوده است.

عمری طولانی داشت و دارای

او مولی حمزة بن یسع اشعری قمی بوده و شرافت خدمت حضرت سلطان الاولیاء علی بن موسی الرضا علیه السلام را دارا بوده، و از آن حضرت اخبار و مسائلی را نقل کرده است. اصحاب او را توثیق کرده‌اند^{۵۲}.

۹. حسن بن عباس بن حریش

او از روایان طبقه امام جواد علیه السلام است و رجالی‌ها وی را تضعیف نموده‌اند^{۵۳}. در بصائر الدرجات روایاتی از وی توسط احمد بن اسحاق نقل شده است^{۵۴}.

۱۰. زکریا بن آدم اشعری

از بزرگان و دانشمندان خاندان اشعری و از روایان صادق اخبار اهل بیت علیهم السلام است. مسائل و کتابی نیز برای وی نقل شده است^{۵۵}. در طریق صدوق به این بزرگوار، احمد بن اسحاق قرار دارد^{۵۶}.

۱۱. قاسم بن یحیی بن راشد

از روایان امامی است که برخی او را تضعیف کرده‌اند^{۵۷}. شیخ کتابی را که آداب امیر المؤمنین علیه السلام در آن بوده به وی نسبت داده است^{۵۸}. روایاتی در بصائر الدرجات از احمد بن اسحاق از او نقل شده است^{۵۹}.

۱۲. هاشم بن المثنی الحنّاط

وی از روایان ثقه کوفه و از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده است^{۶۰}. در طریق شیخ صدوق به وی، احمد بن اسحاق قرار دارد. سند شیخ چنین است: «فقد رویته عن محمد بن الحسن عن محمد بن الحسن الصفار عن ابراهیم بن هاشم و أحمد بن اسحاق بن سعد عن هاشم الحنّاط»^{۶۱}.

چنانکه گفته شد، هاشم حنّاط جزء اصحاب امام صادق علیه السلام بوده و روایت ابراهیم بن هاشم و احمد بن اسحاق از وی مشکل است؛ لذا مرحوم استاد علی اکبر غفاری . در پاورقی فقیه احتمال داده است ابن ابی عمیر واسطه بین ابراهیم بن هاشم و احمد بن اسحاق با هاشم حنّاط بوده باشد، که افتاده است^{۶۲}.

۱۳. عبد الله بن عبدالرحمن بن ابی نجران

کتاب‌های رجال ذکری از او نکرده‌اند. فقط یک روایت از او در طب الأئمة علیهم السلام سراغ داریم که احمد بن اسحاق راوی آن است^{۶۳}.

۱۴. عبد الله بن حمّاد الانصاری

او از شیوخ اصحاب و دارای کتاب‌هایی بوده است. به نقل ابن غضائری در قم ساکن بوده است^{۶۴}.

راویان احمد بن اسحاق

- جناب احمد بن اسحاق واسطه فیض زلال احادیث و گوهر ناب کلمات پیشوایان نور و هدایت است. بخشی از بیانات و سخنان ائمه اطهار علیهم السلام از طریق این بزرگوار به شاگردان و راویان بعد از او منتقل شده که برای همه عصرها سبب راهنمایی خلق و واسطه رستگاری و فلاح است.
- کسان و بزرگانی از او استماع حدیث کرده‌اند که به اسامی ایشان اشاره می‌کنیم:
۱. ابو سعید مراغی^{۶۵}
 ۲. احمد بن ادريس بن احمد، ابو علی الأشعری القمی^{۶۶}
 ۳. احمد بن علی الفائدی القزوینی^{۶۷}
 ۴. احمد بن محمد بن خالد البرقی^{۶۸}
 ۵. احمد بن محمد بن عیسی الأشعری^{۶۹}
 ۶. احمد بن هارون الفامی^{۷۰}
 ۷. حسین بن محمد بن عامر الأشعری القمی^{۷۱}
 ۸. سعد بن عبدالله الأشعری القمی^{۷۲}

۹. سهل بن زیاد الأدمی^{۷۳}
 ۱۰. عبدالله بن جعفر الحمیری^{۷۴}
 ۱۱. عبدالله بن عامر الأشعری^{۷۵}
 ۱۲. علی بن ابراهیم بن هاشم^{۷۶}
 ۱۳. علی بن احمد الرازی^{۷۷}
 ۱۴. علی بن احمد بن یحیی اشعری^{۷۸}
 ۱۵. علی بن الحسن^{۷۹}
 ۱۶. علی بن سلیمان الزراری^{۸۰}
 ۱۷. علی بن مهزیار^{۸۱}
 ۱۸. محمد بن احمد بن یحیی بن عمران الأشعری^{۸۲}
 ۱۹. محمد بن الحسن الصفار^{۸۳}
 ۲۰. محمد بن جعفر بن احمد بن بَطَّه^{۸۴}
 ۲۱. محمد بن علاء همدانی واسطی^{۸۵}
 ۲۲. محمد بن یحیی العطار^{۸۶}
 ۲۳. یحیی بن محمد بن جریح بغدادی^{۸۷}
- از میان این راویان کسی که بیشترین استفاده را از ابن اسحاق کرده و بیشترین احادیث را از ایشان نقل نموده است، حسین بن محمد بن عامر اشعری است. وی از خاندان اشعری و از بستگان و فامیل استادش احمد بن اسحاق است و خود از

مشایخ ثقة الاسلام کلینی و از روایت ثقة امامی به شمار می آید.^{۸۸}

تعداد روایاتی که از احمد بن اسحاق به نقل از حسین بن محمد در کتب اربعه و وسائل الشیعه وجود دارد، بالغ بر ۹۷ حدیث است که حدود ۵۲٪ کل روایات احمد بن اسحاق را شامل می گردد.

شاگرد دیگر احمد بن اسحاق که باید از او به صورت ممتاز ذکر کرد جناب عبدالله بن جعفر حمیری است. این بزرگوار که به تعبیر نجاشی «شیخ القمیین و وجههم» بوده، صاحب آثار و کتب زیادی است که معروفترین آنها قرب الأسناد است.^{۸۹}

از حمیری در کتب اربعه و وسائل الشیعه ۳۷ روایت از جناب احمد بن اسحاق نقل و ضبط شده است.

قابل ذکر است که محمد بن عبد الجبار قمی نقل می کند برخی از اصحاب به وسیله احمد بن اسحاق سؤالی را درباره زکات از امام عسکری علیه السلام پرسیدند و حضرت جواب فرمود^{۹۰}.

ظاهراً با این نقل نمی توان محمد بن عبد الجبار را از شاگردان احمد بن اسحاق به شمار آورد؛ چنان که

برخی از محترمین فرموده اند^{۹۱}، البته اگر استناد آنها همین باشد که ما دیدیم و ذکر کردیم.

همچنین جایی هم «عن عدّه من المشایخ و الثقات» ذکر شده است که شخص آن قابل بازشناسی دقیق نیست.^{۹۲}

از دیدگاه رجالیان

محدثان و بزرگان امامیه از گذشته های دور تا قرون حاضر همگی از احمد بن اسحاق به جلالت و نیکی یاد کرده، او و خدماتش را به مکتب امامت ستوده اند. به وثاقت و امانت وی شهادت داده و منزلتش را نزد ائمه اطهار علیهم السلام متذکر شده اند.

اینجا به برخی از این گفته ها و نوشته ها اشاره ای کوتاه می نمایم:

برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق) صاحب المحاسن، احمد بن اسحاق را در زمره اصحاب امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری علیهم السلام دانسته، در اصحاب امام جواد علیه السلام از او به احمد بن اسحاق بن سعد الأشعری القمی و در اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام کنیه او را نیز ذکر کرده، ولی در اصحاب امام هادی علیه السلام به عنوان «احمد بن

اسحاق» اکتفا نموده است^{۹۳}.

کشی از محمد بن علی بن قاسم قمی از احمد بن حسین قمی روایت می‌کند که محمد بن احمد بن صلت قمی نامه‌ای برای امام علیه السلام نوشت و قصه احمد بن اسحاق قمی و نیاز او به هزار دینار برای انجام مراسم حج را یادآوری نمود و معروض داشت: اگر سرورم صلاح بداند، دستور فرماید این مبلغ را به او قرض دهم تا پس از بازگشت به شهر خویش آن مبلغ را باز گرداند.

امام علیه السلام در جواب نامه این تویع را فرستادند: «هی له منّا صلّة، و إذا رجع فله عندنا سواها»؛ این از طرف من به ایشان بخشایشی است و چون او از سفر بازگشت، غیر از آن مبلغ نیز نزد ما چیزی دارد.

سپس می‌گوید: و حال احمد بن اسحاق به خاطر کسالتی که داشت به گونه‌ای بود که حتی امید آن نداشت به کوفه برسد^{۹۴}.

باز شیخ کشی با چند واسطه از ابی محمد رازی نقل می‌کند:

من و احمد بن ابی عبدالله برقی در عسکر بودیم که فرستاده‌ای از طرف آن «مرد»^{۹۵} به نزد ما آمد و گفت:

«غائب علیل^{۹۶}، ایوب بن نوح، ابراهیم بن محمد همدانی، احمد بن حمزه و احمد بن اسحاق ثقاتّ جمیعاً»؛ یعنی امام علیه‌السلام این افراد را مورد اطمینان می‌داند.

باز کشی نقل می‌نماید که:

احمد بن اسحاق نامه‌ای برای امام علیه السلام نوشت و اجازه خواست که به سفر حج برود. حضرت نیز به وی اجازه داد و پارچه‌ای هم برای او فرستاد. احمد بن اسحاق چون پارچه (کفن) را دید گفت: سرورم، خبر وفات مرا داده است و هنگام بازگشت از سفر حج در حُلوان (سر پل ذهاب) درگذشت.

آنگاه شیخ کشی می‌افزاید: «أحمد بن إسحاق بن سعد القمی عاش بعد وفاة أبی محمد علیه السلام؛ و أتیت بهذا الخبر لیكون أصح لصلاحه و ما ختم له به»؛ یعنی: احمد بن اسحاق بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام مدتی در قید حیات بود؛ و من این خبر را آوردم تا بدانید او در حالی که نیک‌بخت بود، با عاقبت به خیری چشم از جهان فرو بست^{۹۷}.

شیخ ابوالعباس نجاشی نیز نام او را در زمره اصحاب هر سه امام علیهم السلام

آورده و او را «وافد القمیین» دانسته است.^{۹۸}

شیخ عالی مقام طوسی در رجال، او را در شمار اصحاب امام جواد و امام عسکری علیه السلام ذکر کرده است.^{۹۹} همچنین ایشان در الفهرست می‌فرماید:

احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد بن مالک بن الأحوص الأشعری أبوعلی کبیر القدر، و کان من خواص أبی محمد علیه السلام و رأی صاحب الزمان علیه السلام، و هو شیخ القمیین و وافدهم...^{۱۰۰}

از قدمای رجالیان و دانشمندان که بگذریم، در قرون بعد از آنها نیز احمد بن اسحاق در نظر صاحبان رأی و بصیرت دارای مقام و موقعیتی است. ابن شهر آشوب (م ۵۵۸ ق) می‌گوید او از یاران خاص امام حسن عسکری علیه السلام بوده و امام زمان علیه السلام را ملاقات نموده است.^{۱۰۱}

ابن داوود (زنده در ۷۰۷ ق) نیز او را ثقه و در زمره اصحاب هر سه امام علیهم السلام دانسته و می‌گوید او امام زمان علیه السلام را دیده است.^{۱۰۲}

علامه حلی (م ۷۲۶ ق) نیز او را ثقه و وافد قمیین دانسته و می‌گوید:

او از امام جواد و امام هادی علیه السلام روایت نقل می‌کند و از یاران خاص امام حسن عسکری علیه السلام است.^{۱۰۳}

میرزا محمد استرآبادی (م ۱۰۲۸ ق) ضمن توثیق احمد بن اسحاق می‌گوید: او از امام جواد و هادی علیه السلام روایت نقل می‌کند و از اصحاب خاص امام حسن عسکری علیه السلام و بزرگ مردم قم بوده و امام زمان علیه السلام را دیده است.

استرآبادی همچنین از ربیعة الشیعة ابن طاووس نقل می‌کند: «إنه من الوكلاء و إنه من السفراء و الأبواب المعروفین الذین لا تختلف الشیعة القائلون بإمامة الحسن بن علی علیه السلام فیهم»^{۱۰۴}؛ یعنی: احمد بن اسحاق از وکلای امام زمان علیه السلام و سفیران معروف آن حضرت (در غیبت صغری) بوده، که شیعیان قائل به امامت امام حسن عسکری علیه السلام تردیدی درباره آنان [=وکلای] نداشتند.

مرحوم اردبیلی نیز اجمالی از شرح حال وی را آورده است.^{۱۰۵} دیگر رجالیان نیز از احمد بن اسحاق به نیکی یاد کرده‌اند.^{۱۰۶} محدث نوری (م ۱۳۲۰ ق) نیز درباره او می‌گوید:

«احمد بن اسحاق اشعری از بزرگان اصحاب ائمه علیهم السلام و صاحب

انجام شد، روایتی از آن امام همام علیه السلام



به نقل از احمد بن اسحاق به دست ما
نرسیده است.

۲. حضرت امام هادی علیه السلام

او علاوه بر درک محضر امام
هادی علیه السلام روایاتی از ایشان نقل
کرده است^{۱۰۹}. در مسندی که در



پیش‌روست، روایاتی چند از آن امام
بزرگوار علیه السلام نقل شده است^{۱۱۰}.

۳. حضرت امام حسن
عسکری علیه السلام

احمد بن اسحاق از اصحاب و یاران
و وکلای مشهور امام عسکری علیه السلام

مراتب عالی‌ه در نزد ایشان و از وکلای
معروف بود... و حضرت، کافور خادم
را برای او فرستاد در حلوان، و غسل
و کفن او به دست کافور و همراهان
بود؛ و حلوان همین ذهاب معروف
است که در راه کرمانشاهان است
به بغداد؛ و قبر آن معظّم در نزدیک
رودخانه آن قریه است به فاصله
تقریباً هزار قدم از طرف جنوب و بر
آن قبر بنای محقری است... و قبرش
را مزار معتبری باید قرار داد که از
برکت صاحب قبر و به توسط او به
فیض‌های الهیّه برسند^{۱۰۷}.

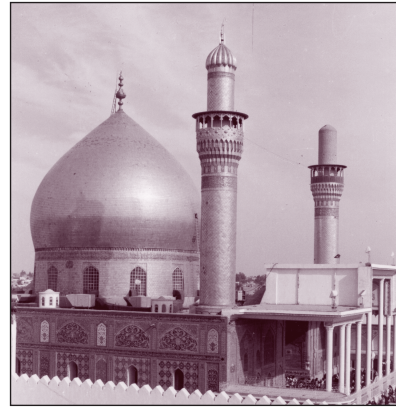
در محضر چهار امام

معصوم علیه السلام

از امتیازات برجسته جناب احمد
بن اسحاق اشعری این است که به
شرف دیدار و فضیلت آستان‌بوسی
چهار تن از ائمه گرامی اهل بیت علیهم السلام
نائل آمده است:

۱. حضرت امام جواد علیه السلام

به تصریح شیخ طوسی ابن اسحاق
از اصحاب امام جواد علیه السلام است و حتی
نجاشی فرموده که وی از آن امام همام
روایت نیز نقل کرده است^{۱۰۸}. البته با
جستجویی که در متون روایی موجود



بوده است. او همچنین روایات زیادی از آن امام همام علیه السلام نقل کرده است.^{۱۱۱}

۴. حضرت امام مهدی علیه السلام

او از کسانی است که فیض دیدار حضرت حجت علیه السلام را هم در زمان حیات امام عسکری علیه السلام و هم بعد از شهادت آن حضرت داشته است و از کلای ناحیه مقدسه به شمار می آید.^{۱۱۲}

مقام وکالت و نیابت

دوران امامت ائمه اطهار علیهم السلام در طول حکومت عباسی مشحون از گرفتاری و فشار عوامل حکومت نسبت به امامان شیعه و پیروان ایشان بود و ارتباط با ائمه علیهم السلام برای مردم در بسیاری از سالها و دورانها به دشواری و سختی ممکن می شد.

از سویی به طور طبیعی وجود امام علیه السلام در مدینه و بعدها در سامرا باعث می شد امکان دستیابی و شرفیابی به محضر مبارک ایشان برای همه علاقه‌مندان و شیعیان فراهم نباشد.

در این زمان شبکه وسیع وکالت تأسیس شد و بسیاری از خواص اصحاب به عنوان وکیل امام علیه السلام مسؤولیت ارتباط بین امام و شیعیان را به عهده گرفتند.

برخی از مهم‌ترین علل و انگیزه‌های تشکیل شبکه وکالت این چنین است:

۱. جو خفقان و دشواری ارتباط مستقیم امامان علیهم السلام و شیعیان؛
 ۲. عدم دسترسی شیعیان به ائمه علیهم السلام به خاطر حبس، شهادت و غیبت؛
 ۳. آماده‌سازی شیعیان برای شرایط عصر غیبت^{۱۱۳}.
- در اینکه آیا وکالت موجب توثیق یک راوی می شود و یا فقط حسن و مقام او را به اثبات می‌رساند بین دانشمندان علوم رجال و درایه اختلاف است، ولی آنچه مسلم است وکالت امام علیه السلام برای یک نفر نشانه مقام و منزلت اوست^{۱۱۴}.

نمود. پس از آن، هنگامی که به قصد تشرّف به خدمت امام عسکری علیه السلام به سامرا رفت. آن حضرت وی را به ملاقات نپذیرفت! و پس از الحاح و اظهار تأثر از سوی «احمد بن اسحاق» به وی فرمود: «چرا با آن سید چنان رفتار کردی؟!» و احمد بن اسحاق نیز پس از بازگشت، از آن سید دلجویی فراوان کرد. این امر باعث شد که سید مزبور متحول شود و راه توبه در پیش گیرد^{۱۱۷}.

طبری شیعی نیز به وکالتش برای امام عسکری علیه السلام تصریح کرده است.^{۱۱۸}

مصاحبت وی با امام جواد علیه السلام تنها می تواند احتمال وکالتش برای آن جناب را تقویت کند، اما وکالتش برای امامین عسکریین علیه السلام از قراینی غیر از آنچه از تاریخ قم نقل شد، قابل استفاده است. نام وی در ردیف چند تن وکیلی است که ضمن توقیع صادر شده از سوی امام هادی علیه السلام توثیق شدند.

چنان که روایتی نیز تأیید بر وکالت او از جانب امامین عسکریین علیه السلام است. شیخ طوسی به نقل از وی چنین آورده است:

جناب احمد بن اسحاق اشعری قمی از وکلای ائمه علیهم السلام در قم و نواحی آن بوده است. در مورد وکالت ایشان به موارد زیر می توان استشهاد کرد:

یکم. شیخ طوسی در فهرستش آورده است: «کان من خواصّ ابي محمد علیه السلام و رأی صاحب الزمان علیه السلام؛ و هو شیخ القمیین و وافدهم...»^{۱۱۵}

نجاشی نیز درباره وی گفته است: «کان وافد القمیین و روی عن ابي جعفر الثانی و ابي الحسن علیه السلام و کان خاصّة ابي محمد علیه السلام...»^{۱۱۶} بدین ترتیب، مصاحبت وی با امام جواد و هادی و عسکری علیهم السلام اثبات می شود؛ و اینکه وی به نمایندگی از سوی مردم قم به حضور ائمه علیهم السلام مشرف می شده و وجوه شرعیه و نامه های آنان را عرضه می کرده نیز از کلمه «وافد القمیین» قابل استفاده است.

دوم. در تاریخ قم از وی به عنوان وکیل امام عسکری علیه السلام در امور موقوفات قم یاد شده است؛ و در ادامه به جریانی اشاره کرده که: «احمد بن اسحاق قمی» یکی از سادات قم به نام «حسین بن حسن» را که به صورت علنی شرب خمر می کرد طرد

«روزی به امام هادی علیه السلام عرض کردم که گاه موفق به تشریف به حضور شما می‌شوم و گاه نه. در این موارد که نمی‌توانم با شما دیدار کنم به چه کسی مراجعه کنم و قول چه کسی را بپذیرم و امر چه کسی را اطاعت کنم؟ آن جناب فرمود: این ابو عمرو مورد وثوق و امین است و آنچه به شما بگوید از جانب من رسیده است»^{۱۱۹}.

پس از رحلت آن حضرت به نزد امام عسکری علیه السلام رفته و نظیر آن سؤال را مطرح کردم و آن جناب نیز در پاسخ فرمود: «این ابو عمرو مورد وثوق و امین نزد ماضی (امام هادی علیه السلام) و نزد من است و آنچه بگوید از جانب من گفته و آنچه به شما برساند از جانب من رسیده است»^{۱۲۰}.

این روایت می‌تواند مؤید وکالت او از جانب امام هادی و امام عسکری علیه السلام باشد.

سوم: قرینه دیگر بر وکالت او و نیز جایگاه والایش نزد امام هادی علیه السلام، روایت ابن شهر آشوب است مبنی بر اینکه آن حضرت به هر یک از «احمد بن اسحاق» و «علی بن جعفر» و

«عثمان بن سعید» به سبب نیاز مالی آنان سی هزار دینار عطا فرمود!^{۱۲۱} و مشخص است که «علی بن جعفر» و «عثمان بن سعید» هر دو وکیل آن حضرت بودند و نفس اعطای چنین مالی از نشانه‌های وکالت است.

چهارم: شاهد دیگر بر وکالت «احمد بن اسحاق»، روایت کلینی است مبنی بر تشریف وی به حضور امام عسکری علیه السلام و درخواست نمونه دست خط از آن جناب، که آن حضرت نیز در پاسخ فرمود: «ای احمد! خط گاهی با قلم درشت و گاهی با قلم ریز نوشته می‌شود؛ از این جهت دارای اختلاف می‌شود؛ پس تردید مکن!». سپس آن حضرت قلم و دوات طلبید و ضمن اینکه قلم را در دوات فرو می‌برد برای وی خطی نگاشت^{۱۲۲}.

پنجم: شیخ صدوق نام احمد بن اسحاق را در ردیف آن دسته از وکلایی آورده است که موفق به رؤیت حضرت حجت علیه السلام شده‌اند^{۱۲۳} و شیخ طوسی نیز نام او را در زمره کسانی که توفیق برای ایشان صادر شده آورده است^{۱۲۴}. شاید از این گونه تصریحات بتوان استفاده کرد که وکالت احمد بن اسحاق در عصر غیبت صغری نیز

ادامه داشته است ۱۲۵.

در پرتو خورشید

درک شرف دیدار آخرین ذخیره الهی و بازمانده انبیا و اولیا حضرت حجت بن الحسن المهدی - ارواح من سواه فداه - آرزوی هر دوست‌دار و شیعه‌خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام است.

از کسانی که به این فضیلت و مکرمت نائل شده‌اند و دیده به دیدار آن یگانه دوران باز کرده‌اند، جناب احمد بن اسحاق اشعری قمی است. طرفه اینکه او چنان اعتبار و منزلتی نزد امام حسن عسکری علیه‌السلام داشته است که بنا به نقل صدوق، امام عسکری علیه‌السلام پس از ولادت فرزند گرامیش حضرت مهدی علیه‌السلام، طی نامه‌ای به احمد بن اسحاق بشارت این ولادت را به وی ابلاغ می‌فرماید ۱۲۶. «احمد بن اسحاق» در پاسخ سؤال حضرت درباره عکس‌العمل مردم نسبت به این خبر و شک و تردید آنان نسبت به وجود حضرت مهدی علیه‌السلام می‌نویسد: «ای سید من! هنگامی که خبر ولادت سید و مولای ما به ما رسید، هیچ مرد یا زن یا بچه‌ای که به حد بلوغ در فهم

رسیده باشد در میان ما نبود مگر آنکه معترف به حق شد» ۱۲۷.

احمد بن اسحاق در سفری که پس از این به سامرا کرد، موفق شد جمال دل‌آرای حضرت مهدی علیه‌السلام را که طفلی سه ساله بود رؤیت کند و کلام این طفل را که به نحو معجزه‌آسایی به سخن آمد شنید که گفت: «أنا بقية الله في أرضه و المنتقم من أعدائه؛ فلا تطلب أثراً بعد عين يا أحمد بن اسحاق!» ۱۲۸.

در دوران غیبت صغری نیز احمد بن اسحاق مورد عنایت حضرت بقیة الله الاعظم علیه‌السلام بود و توثیقات و نامه‌های آن حضرت برای وی صادر شده است.

تصریح شیخ طوسی در این باره چنین است: «و قد كان في زمان السفراء المحمودين أقوامٌ ثقاتٌ تردُّ عليهم التوقعاتُ من قبل المنصوبين للسفارة من الأصل؛ و منهم أحمد بن إسحاق و جماعة يخرج التوقعات في مدحهم» ۱۲۹.

در همین راستاست، نامه‌ای که او به ناحیه مقدسه ارسال کرد و همراه آن، نامه جعفر کذاب را که به یکی از شیعیان ارسال کرده و وی را به سوی

خود فرا خوانده بود نیز ضمیمه نمود؛ و جواب امام عصر علیه السلام نیز ضمن توقیعی به دست «احمد بن اسحاق» واصل شد. در این روایت، به نام کامل احمد بن اسحاق به این صورت تصریح شده است:

«عن أبي الحسين محمد بن جعفر الأسدي عن سعد بن عبدالله الأشعري عن الشيخ الصدوق أحمد بن إسحاق بن سعد الأشعري: أنه رجاء بعض أصحابنا يُعلمه أن جعفر بن علي كتب إليه كتاباً يعرفه نفسه و يُعلمه أنه لقيم بعد أخيه، و أنّ عنده من علم الحلال و الحرام ما يحتاج إليه، و غير ذلك من العلوم كلّها. قال أحمد بن إسحاق: فلما قرأت الكتاب، كتبت إلى صاحب الزمان عليه السلام و صيّرتُ كتاب جعفر في درجه، فخرج إليّ الجواب في ذلك: بسم الله الرحمن الرحيم أتاني كتابك...»^{۱۳۰}.

به سوی دوست

چراغ عمر نایب الامام جناب احمد بن اسحاق اشعری قمی پس از عمری مشحون از خیرات و حسنات و با کارنامه‌ای درخشان در خدمت به معارف اسلامی، در سایه الطاف و

عنايات ائمه اطهار علیهم السلام به خاموشی گرایید و صبح حیات اخروی او در جوار رحمت الهی و رفاقت با انبیا و اولیا علیهم السلام طلوع کرد.

در مورد تاریخ وفات او و اینکه آیا در دوران امامت حضرت عسکری علیه السلام در گذشته است یا تا اوایل غیبت صغری نیز در قید حیات بوده دو نظر و دو روایت متعارض وجود دارد:

۱. روایتی که حاکی از درگذشت ایشان در زمان امام عسکری علیه السلام است:

شیخ عالی مقام صدوق از سعد بن عبدالله اشعری نقل کرده است که احمد بن اسحاق با جمعی از اهل قم خدمت امام عسکری علیه السلام رسید و ضمن ارائه وجوهات و رؤیت حضرت ولی عصر علیه السلام، در وقت وداع به امام عسکری علیه السلام عرض کرد: «ای پسر رسول خدا! رفتن ما نزدیک شد و اندوهمان افزون گشت. از خداوند می‌خواهیم که بر جدّت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و پدرت علی مرتضی علیه السلام و مادرت سیده النساء علیها السلام و بر دو آقای اهل بهشت؛ عمویت (امام حسن مجتبی علیه السلام) و پدرت (امام حسین علیه السلام) و ائمه طاهرین علیهم السلام

و بدین ترتیب از خدمت آن بزرگوار مرخص شدیم، تا به سه فرسخی «حُلوان» رسیدیم. احمد بن اسحاق در آنجا تب کرد و سخت مریض شد؛ به گونه‌ای که امیدی به بهبودی خود نداشت. بنابراین، زمانی که به «حُلوان» رسیدیم و در یکی از کاروانسراها اقامت کردیم. احمد بن اسحاق یکی از اهالی آن‌جا را که می‌شناخت نزد خود فرا خواند و به ما گفت: امشب را جای دیگری بروید و مرا تنها بگذارید. ما هم پذیرفتیم و به محل استراحت دیگری رفتیم.

اما هنگامی که نزدیک صبح شد، یکباره فکر متوجّه نکته‌ای گشت و بلافاصله چشمانم را گشودم. ناگهان «کافور»، خادم امام حسن عسکری علیه السلام را در مقابل خود دیدم که می‌گوید: «خداوند عزای شما را نیکو گرداند! برخیزید و او را دفن کنید که او نزد آقایان گرامی‌تر از شما بود؛ و سپس از دیدگانمان غایب شد.

ما بی‌درنگ بر سر جسد احمد بن اسحاق جمع شدیم و به گریه و زاری پرداختیم تا آنکه او را دفن کردیم^{۱۳۱}.
۲. روایات و قرائنی که حاکی از حیات احمد بن اسحاق بعد از شهادت

پس از آنها صلوات فرستد و نیز صلوات خداوند مشمول حال شما و فرزند بزرگوارتان گردد. امیدواریم که خداوند به شما بزرگی مرحمت کند و دشمنتان را ذلیل و خوار گرداند و این سفر را آخرین زیارت ما قرار ندهد. وقتی احمد بن اسحاق جمله آخر را بیان نمود، چشمان آن حضرت پر از اشک شد؛ به طوری که بر گونه‌هایش جاری گشت و سپس فرمود:

ای احمد بن اسحاق، خودت را در دعا کردن به زحمت بیهوده نینداز؛ زیرا در بازگشت از سفر، خداوند را ملاقات خواهی کرد.

احمد بن اسحاق از شنیدن این سخن به زمین افتاد و از حال رفت. وقتی به حال آمد، عرضه داشت: شما را به خدا و به حرمت جدّت سوگند می‌دهم که مرا به پارچه‌ای مفتخر فرمایید که آن را کفن خود سازم. آن حضرت از زیر بالشی که به آن تکیه داده بود، سیزده درهم بیرون آورد و فرمود: این را بگیر و جز این، خرج نکن؛ زیرا آنچه را خواستی (کفن) از دست نخواهی داد. و بدان که خدای تبارک و تعالی، اجر نیکوکاران را ضایع نمی‌گذارد.

امام عسکری علیه السلام است:

از جمله روایات متعارض با روایت یاد شده، روایت کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی از «عبدالله بن جعفر حمیری» است. وی گوید:

پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، سالی به قصد انجام حج حرکت کرده و در مدینه السلام (بغداد) بر «احمد بن اسحاق» وارد شدم و ابو عمرو (عثمان بن سعید) را نزد وی دیدم. پس با اشاره «احمد بن اسحاق» از ابو عمرو درباره جانشین امام عسکری علیه السلام پرسش کردم و او گفت او (صاحب الزمان علیه السلام) را دیده‌ام^{۱۳۲}.

روایت دیگر که آن نیز قرینه بر بقای «احمد بن اسحاق قمی» تا اوایل عصر غیبت است، روایت کلینی از «سعد بن عبدالله اشعری» است، مبنی بر اینکه پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، برخی از وکلا همچون «حسن بن نصر» و «أبا صدام» و غیر آنها نسبت به اموال شرعی که در دست ایشان باقی مانده بود دچار بلا تکلیفی شده بودند! از این رو، «حسن بن نصر» تصمیم می‌گیرد تا ضمن انجام سفر حج، در عراق درباره این امر تحقیق کند. وی پس از ورود به بغداد خانه‌ای

کرایه کرده و در آنجا ساکن می‌شود و رفته رفته وکلای مقیم بغداد که یکی از آنان «احمد بن اسحاق» بوده، در یک برنامه حساب شده، اموالی را به خانه مزبور می‌آورند! و او سرانجام با دریافت توفیق ناحیه مقدسه، مأمور رساندن آن اموال به «سُرَّ مَنْ رَأَى» می‌شود؛ و پس از بردن اموال به خانه عسکریین علیهم السلام که محل سکونت و یا ملاقات‌های امام مهدی علیه السلام نیز بود، از پس پرده صدای حضرت را می‌شنود که او را به طرد هرگونه شک و تردید از خود فرا می‌خواند! و در جریان این ملاقات، حضرت دو قطعه پارچه به وی داد که در حقیقت کفن او بود^{۱۳۳}.

علاوه بر این روایات، دلایل دیگری وجود دارد که بر وکالت و حیات احمد بن اسحاق در عهد امام عصر علیه السلام دلالت می‌کند. مهم‌تر از همه شاید تصریح و بیان شیخ کشی در رجال است که می‌گوید:

سفیر سوم ناحیه مقدسه مهدویه علیه السلام اشاره کرده که گوید: «احمد بن اسحاق ضمن نامه‌ای (از ناحیه مقدسه) برای انجام حج طلب اذن نمود و به او اذن داده شد و پارچه‌ای نیز برایش ارسال

حدیث گزارش داده است،^{۱۳۶} اما در میان خاصه و شیعه کتابت حدیث به دوران رسول اکرم صلی الله علیه و آله باز می‌گردد.

بسیاری از روایت و محدثان بزرگ امامی علاوه بر اینکه شفهاً و واسطه انتقال روایات و کلمات ائمه معصومین علیهم السلام بوده‌اند، از همان صدر اسلام و حتی در دوران صحابه تدوین و کتابت حدیث را آغاز کرده‌اند. وجود گزارش درباره صحیفه النبی صلی الله علیه و آله، کتاب علی علیه السلام و کتاب فاطمه علیها السلام را باید دلیل بر اولین مکتوبات حدیثی در عصر رسالت و امامت دانست.^{۱۳۷}

بعد از ائمه علیهم السلام متقدم نیز همواره راویان جلیل القدر شیعی در تکاپوی نوشتن و انتقال زلال معارف امامی به نسل‌های بعد بوده‌اند و شاگرد نامدار مکتب اهل البیت علیهم السلام جناب احمد بن اسحاق قمی نیز در این میان سهمی دارد.

اگر چه اکنون ما از کتب و مصنفات یا به تعبیری از اصول احمد بن اسحاق به صورت مستقل و مدون چیزی در دست نداریم، ولی ذکر این آثار در میان کتب تراجم و رجال و همچنین فهرس آمده است.

کتب و آثار او به این شرح است:

شد؛ و ارسال این پارچه موجب شد که «احمد بن اسحاق» به قرب زمان مرگش واقف شود! و لذا با دیدن آن گفت: مرگم به من ابلاغ شده است. و هنگامی که از سفر حج باز می‌گشت، در حلوان رحلت نمود^{۱۳۴}.

لازم به ذکر است روایت سعد بن عبدالله اشعری مبنی بر وفات احمد بن اسحاق در زمان امام عسکری علیه السلام علاوه بر تعارض با روایات اخیر و دلایل دیگر دارای ضعف سند و حتی تقطیع و افتادگی است که آن را از ظرف استدلال خارج می‌کند.^{۱۳۵} در نتیجه می‌توان احتمال قوی داد یا مطمئن بود که درگذشت احمد بن اسحاق اشعری در زمان امامت و غیبت صغرای حضرت ولی عصر علیه السلام اتفاق افتاده است.

آثار

عالمان عامه بر این باورند که تا پایان قرن اول هجری، حدیث تدوین نشده است. سیوطی می‌گوید: تدوین حدیث به سال ۱۰۰ هجری و به امر عمر بن عبدالعزیز آغاز شد. بخاری از نامه عمر بن عبدالعزیز به ابوبکر بن حزم و دستور برای کتابت و گسترش

۱. کتاب علل الصوم

نجاشی از ابوالحسن علی بن عبدالواحد خمیری و احمد بن الحسین نقل می‌کند که این کتاب را دیده بودند و آن را با وصف «کبیر» تعریف کرده‌اند^{۱۳۸}.

۲. کتاب علل الصلاة

شیخ طوسی این عنوان را نقل کرده و سند خود را نیز حسین بن عبید الله و ابن ابی جنید از احمد بن محمد بن یحیی العطار از سعد بن عبد الله از مؤلف یاد کرده است^{۱۳۹}.

۳. مسائل الرجال لأبی الحسن

الثالث عنه

نجاشی این کتاب را نیز گزارش می‌کند و متذکر شده که جمع‌آوری احمد بن اسحاق بوده است.

او سند خود را به کتاب‌های احمد بن اسحاق این گونه معرفی کرده است: «أخبرني إجازة أبو عبد الله القزويني عن أحمد بن محمد بن يحيى بن سعد عنه بكتبه»^{۱۴۰}. شیخ طوسی نیز در الفهرست ضمن اشاره به این دو کتاب سند خود را به آنها ذکر فرموده است: «أخبرنا بهما الحسين بن عبید الله وابن أبي جنيد عن أحمد بن محمد بن يحيى العطار [عن أبيه] عن سعد

بن عبد الله عنه»^{۱۴۱}.

مزار و مدفن احمد بن اسحاق

حُلوان

گفته‌اند که احمد بن اسحاق در حُلوان در گذشت و همان‌جا دفن شد^{۱۴۲}. قزوینی (م ۶۸۲ ق) در آثار البلاد و أخبار العباد حُلوان را این گونه معرفی کرده است: «شهری است میانهُ همدان و بغداد، شهری بزرگ و آباد بوده، حال خراب است. انار و انجیر بسیار خوب در آنجا به عمل می‌آید و چشمه‌های گرم گوگردی در نزدیک آن شهر بسیار است... خلیفه منصور با لشکر به آنجا آمد و چون مهدی عباسی نیز گذارش به آن موضع افتاد، آن مکان را خوش دیده، در آنجا نزول کرد. هارون الرشید نیز در وقت لشکرکشی به خراسان به آن موضع وارد شد»^{۱۴۳}.

ذکر این شهر و اخبار مربوط به آن در منابع کهن تاریخی و جغرافیایی دیگری نیز آمده است^{۱۴۴}.

قابل ذکر است که این منطقه و افراد منسوب به آن را که حلوانی نامیده می‌شوند، نباید با حلوان طبس

منطقه که نشان از تاریخ بلند آن دارد عبارتند از:

مسجد عبدالله بن عمر در روستای شالان از توابع ریجاب، کاروان‌سرای ایلخانی (بیستون) یا کاخ خسرو، طاق‌گرا در گردنه پاتاق بر سر راه کرمانشاه به سرپل ذهاب و در کنار راه باستانی سنگ فرشی، نقش برجسته آنوبانی نی (پادشاه مقتدر لولویی)، گور دخمه دیره در جاده سرپل ذهاب به دیره و نزدیکی روستای گلین که اهالی آن را فرای کن یا تاق (اتاق) فرهاد می‌نامند، گور دخمه دکان داوود (این مکان مورد توجه اهل حق منطقه است) و...

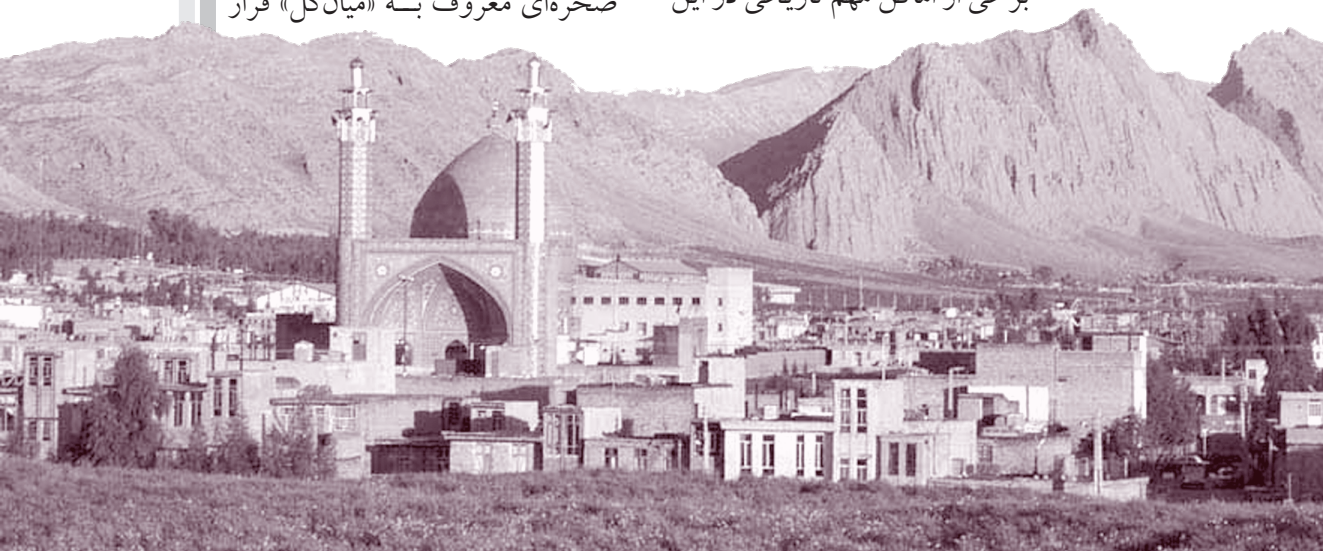
قابل ذکر است که سنگ نوشته آنوبانی نی که اثری بر جای مانده از «آنوبانی نی» پادشاه لولویی‌ها از اقوام زاگرس‌نشین و متعلق به آریایی‌های کهن می‌باشد، در سرپل ذهاب و بر صخره‌ای معروف به «میان‌کل» قرار

در استان یزد ایران و همچنین حلوان قاهره در مصر اشتباه کرد و افراد منسوب به آنها را خلط نمود^{۱۴۵}.

سرپل ذهاب

از نوشته تاریخ‌دان‌های قرون ششم و هفتم مشخص می‌شود که شهر حلوان به ویرانی گراییده است، ولی در کنار یا نزدیکی این شهر ویران شده، شهر ذهاب (زهاب) یا سرپل ذهاب بنا شده است.

امروزه این منطقه از شمال به شهرستان جوانرود، از شرق و جنوب شرقی به اسلام‌آباد غرب، از جنوب و جنوب غربی به گیلان غرب و از غرب به شهرستان قصر شیرین و خاک کشور عراق محدود می‌شود. نام این شهر از ذهاب به سرپل ذهاب تغییر کرده است و علت آن پل مشهور این منطقه بر روی رودخانه اروند است. برخی از اماکن مهم تاریخی در این



دارد و از قدیمی‌ترین و کهن‌ترین هنرهای معماری روی سنگ به شمار می‌رود^{۱۴۶}.

در صدر اسلام این منطقه از اولین دروازه‌های ورودی اسلام به ایران ساسانی بود و با فتح آن در واقع پایه‌های اقتدار حکومت ایران در هم شکست. بعد از اسلام، حلوان و ذهاب اهمیت خود را حفظ کرد و مورد توجه و رفت و آمد بود.

گفته شده که ابوعمارہ حمزہ بن حبیب بن عماره بن اسماعیل کوفی قاری مشهور قرآن، در سال ۱۵۶ ق در حلوان درگذشته و همان‌جا مدفون است.

از دیگر مشاهیر حلوان در دوره اسلامی می‌توان به احمد بن علی بدران بن ابوبکر حلوانی، یحیی بن علی بن بزار، احمد بن محمد عاصم حلوانی، ابوسهل حلوانی، خانای قبادی، مفتی زه‌هاوی و جمیل زه‌هاوی اشاره کرد^{۱۴۷}.

ترکیب جمعیتی امروزه سرپل ذهاب را بیشتر سه گروه کردستان یعنی: جاف، کلهر و گوران تشکیل می‌دهند. جاف‌ها به کردی جافی (سورانی) و مردم کلهر و گوران با

کردی کلهری (کرمانشاهی) صحبت می‌کنند. مردمان ایل جاف اهل سنت و شافعی مذهب‌اند و کلهرها شیعه و گوران بیشتر اهل حق (پارستان) هستند.

شیعیان مراسم مذهبی خود را در مصلی و بقعه جناب احمد بن اسحاق انجام می‌دهند و اهل سنت معمولاً در مسجد قادری الحسینی - که آن را سید محمدطاهر حسینی هاشمی در سال ۱۳۵۰ ش ساخته است - اجتماع می‌کنند و اهل حق نیز در جمخانه مراسم خود را برگزار می‌کنند^{۱۴۸}.

مرقد مطهر

از گذشته‌های دور حرم مطهر و مدفن پاک نایب الامام جناب احمد بن اسحاق اشعری قمی . در سرپل ذهاب مورد توجه و اقبال اهالی منطقه و همچنین زائران و مسافران عتبات عالیات و محل دعا و مناجات و اقامه شعائر اسلامی و توجه و توسل به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام بوده است.

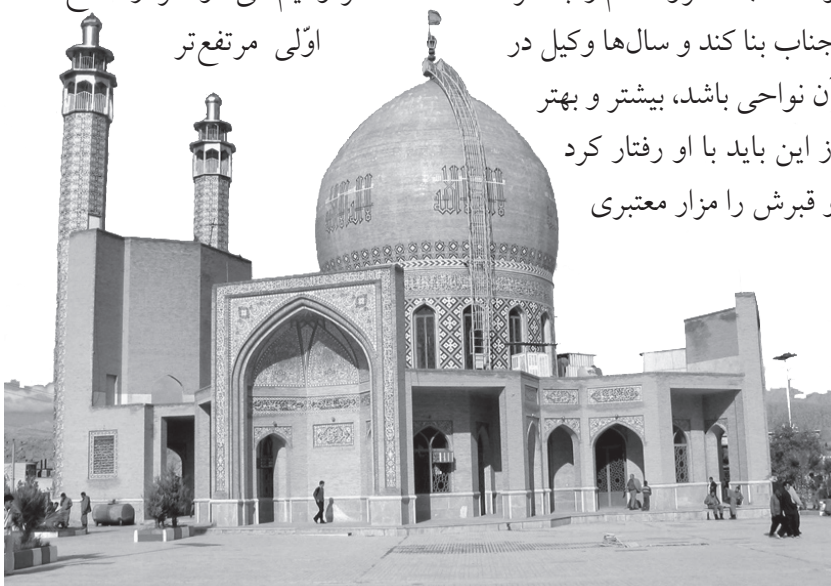
محدث عالی‌مقام میرزا حسین نوری طبرسی (م ۱۳۲۰ ق) در نجم الثاقب از این حرم یاد کرده و لزوم

باید قرار داد که از برکت صاحب قبر و به توسط او به فیض‌های الهیه برسند^{۱۴۹}.

جناب آقای احمد توکلی کرمانی در گزارشی مفصل از ساختمان قدیمی مقبره در گذشته‌های دور آورده است:

«... مقبره وی قبل از بنای فعلی دارای سه اتاق کوچک بود که در عمق ۱/۵۰ متری زمین قرار داشته و زائرین با گذشتن از سه پله وارد مقبره می‌شدند. آن گودی موقعیت قبلی سطح زمین را در دوازده قرن قبل نمایان می‌ساخت، ولی متأسفانه آن موقعیت از دست رفته و سطح فعلی مقبره یک متر و نیم الی دو متر از سطح

اولی مرتفع‌تر



تعمیر و آبادی آن را متذکر شده است:

«حُلوان همین زهاب معروف است که در راه کرمانشاه است به بغداد، و قبر آن معظم (احمد بن اسحاق) در نزدیک رودخانه آن قریه است به فاصلهٔ تقریباً هزار قدم از طرف جنوب؛ و بر آن قبر بنای محقری است خراب و از بی‌همتی و بی‌معرفتی اهل ثروت آن اهالی، بلکه اهل کرمانشاه و مترددین چنین بی‌نام و نشان مانده و از هزار نفر زوَّار یکی به زیارت آن بزرگوار نمی‌رود، با آنکه کسی که امام علیه السلام خادم خود را به طیّ الارض با کفن برای تجهیز او بفرستد و مسجد معروف قم را به امر آن جناب بنا کند و سال‌ها وکیل در آن نواحی باشد، بیشتر و بهتر از این باید با او رفتار کرد و قبرش را مزار معتبری

شده است» ۱۵۰.

شده است. در وسط رواق، مقبره قرار گرفته که اطاق هشت گوشه‌ای است با قطر ۴/۸۰ متر و سقف گردپوشی شبیه گنبد روی آن به ارتفاع ۹ متر دارد. در وسط این مقبره ضریحی فلزی به ارتفاع یک متر و طول یک و نیم متر روی قبر نصب شده است. در چهار طرف این مقبره درهایی به خارج باز شده است.

قسمت دوم این ساختمان عبارت است از یک سالن که در طرف قبله مقبره قرار گرفته و در طرف مشرق و

در حدود سال ۱۳۳۵ ش حجة الاسلام آقای ابوالمعالی از ائمه جماعات سر پل ذهاب برای احداث بنای آبرومندی اقدام کردند و ضمن نقشه‌ای مفصل کار را شروع کردند. چون هزینه سنگین بود و کار بزرگ و کمک‌های مالی نرسید، کار نیمه کاره رها شد و چند سال معطل ماند.

پس از مدتی با کمک افراد خیر و نیکاندیش عملیات ساختمانی دوباره آغاز شد و بنای مناسبی ساخته شد. مشخصات

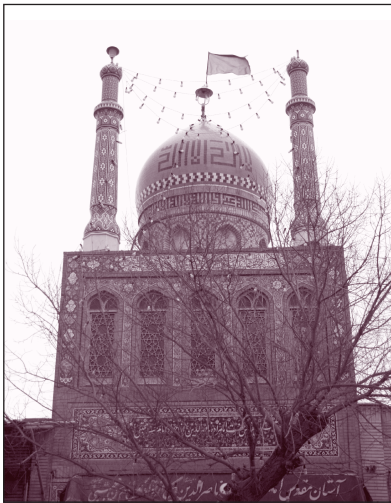
ساختمان احداثی در این دوره چنین است:

این ساختمان از دو قسمت پهلوی یکدیگر تشکیل شده است: قسمت اول عبارت است از یک ایوان در طرف شمال که درب ورودی در آن قرار گرفته، وارد رواقی می‌شود که در چهار طرف مقبره ساخته



محدث قمی فرموده: محتمل است احمد بن اسحق بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن امام موسی کاظم علیه السلام در بقعه شاهزاده ناصرالدین مدفون باشد. وی اضافه می‌کند آن چیزی که بین مردم قم شهرت یافته دایره بر این است که این بقعه از احمد بن اسحق می‌باشد و منظور هم همین احمد است نه احمد بن اسحق موسوی، پس می‌توان گفت که در بقعه مزبور دو تن مدفونند: یکی شاهزاده ناصر و دیگری احمد بن اسحق موسوی؛ و چون احمد بن اسحق موسوی قبلاً دفن شده است بقعه به نام او مشهور گردیده شد ^{۱۵۴}.

این احتمال و شهرت جایی ندارد؛ به این دلیل که احمد بن اسحق



مغرب آن در هر طرف سه عمارت تودرتو ساخته شده است ^{۱۵۱}.

بنای جدید مرقد

از سال ۱۳۶۸ به همت جمعی از نیکوکاران و علاقه‌مندان و با همکاری اداره کل اوقاف و امور خیریه استان کرمانشاه فعالیت‌های زیادی برای ترمیم، بازسازی و نوسازی ساختمان مرقد و حرم مطهر جناب احمد بن اسحاق قمی آغاز شد. در طول چند سال این ساختمان در مساحتی حدود ۲۲۰۰ متر مربع بنا و در عرصه‌ای در حدود ۱۰۰ هزار متر احداث و ترمیم گردید. این بنا دارای زائرسرا جهت توقف و استراحت علاقه‌مندان نیز می‌باشد ^{۱۵۲}. همچنین در سال ۱۳۸۷ کتابخانه‌ای با بیش از پنج هزار عنوان کتاب در اطراف حرم مطهر احداث گردیده است.

مرقدی منسوب به سه نفر

از دیرباز بقعه شاهزاده ناصرالدین واقع در خیابان آذر و مقابل مسجد امام حسن عسکری علیه السلام در قم، گاهی به مقبره احمد بن اسحاق قمی نسبت داده می‌شده است ^{۱۵۳}.

موسوی که نسبت کامل وی احمد بن اسحاق بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن موسی الکاظم است، در جوار شاهزاده حمزه در محله‌ای به همین نام در میان خیابان آذر قم مدفون است و دارای بقعه و بارگاه می‌باشد که در لوح مزارش هم نام او تصریح و نوشته شده است^{۱۵۵}.

اما مدفون در این بقعه مقابل مسجد امام حسن عسکری علیه السلام، ظاهراً سید جلیل القدر ناصر الدین علی بن مهدی بن محمد بن حسین بن زید بن محمد بن احمد بن جعفر بن محمد بن عبدالرحمن بن محمد البطحانی^{۱۵۶} بن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن مجتبی علیه السلام باشد که در اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم می‌زیسته است^{۱۵۷}.

دلیل بر دفن ناصر الدین بطحانی در این بقعه تصریح صاحب عمده الطالب است که می‌نویسد: «المدفون بشق قم فی المدرسة الواقعة بمحله سورانیک»^{۱۵۸}. در مورد جمله عمده الطالب چند نکته وجود دارد:

یکم. شق، از اصطلاحات دیوانی است که در مساحی و خراج به کار می‌رفته و به ناحیه‌ای کوچک‌تر از

کوره که بیرون شهر و خارج از باره شهر بوده و محله‌ای نزدیک شهر به حساب می‌آمده اطلاق می‌شده است. این اصطلاح در سده‌های هشتم و نهم که عصر ابن عنبه صاحب عمده الطالب و تاج الدین حسن قمی صاحب ترجمه تاریخ قم است به کار می‌رفته و این دو نفر در آثار خود از کلمه «شق» استفاده کرده‌اند^{۱۵۹}؛ و البته ناصر الدین بطحانی نیز در همین تاریخ در گذشته است^{۱۶۰}.

دوم. وجود محله سورانیک^{۱۶۱} در قم از قرائن چندی قابل قبول است. به عنوان نمونه از شخصی به نام «سورین قمی» در عهد بهرام در تاریخ قم یاد شده است^{۱۶۲} که می‌تواند محله سورانیک منسوب به وی باشد.

همچنین محله‌ها یا ده‌هایی به نام سوراناباد، سورن آباد، سوران و باب سوران در قم بوده است که ممکن است همه نام یک محل بوده باشد^{۱۶۳}. نتیجه اینکه سوران و سورین در قم بی سابقه نیست و می‌تواند سورانیک منسوب به آنها باشد.

سوم. برخی این کلمه را سورانیک نوشته‌اند و متذکر شده‌اند که در عصر سلطان برکیارق بن ملک‌شاه سلجوقی،

بزرگ هست که به نام مطهر و مبارک یازدهمین پیشوای پارسایان حضرت ابی محمد حسن بن علی الزکی العسکری علیه السلام مزین است.

مردم قم از دیر زمان معتقد بوده‌اند که بخشی از مسجد کنونی به امر مبارک امام حسن عسکری علیه السلام و بنا بر مشهور، به دست و کیل خاص ایشان جناب احمد بن اسحاق اشعری قمی و از محل سهم مبارک امام علیه السلام در قرن سوم هجری احداث شده

امیر ایپک در قم مدرسه‌ای ساخت که این بقعه جزء آن مدرسه شده و ناصر الدین بطحانی هم در آن مدفون شده است.^{۱۶۴}

بنیان تقوی (مسجد امام حسن عسکری علیه السلام)

روزی که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله اولین مسجد اسلام را در قبا بنا کرد، شاید کسی فکر نمی‌کرد که هزاران هزار مسجد در سراسر عالم تأسیس



است. شهرت چیزی در میان مردم، که از نسلی به نسل دیگر رسیده است، جزء معتبرترین اسناد محسوب می‌شود.^{۱۶۵}

گرچه ظاهر بنای کنونی این مسجد زیاد قدیمی نیست، اما در قدمت و سابقه دیرینه ساختمان و بنای اصلی آن

خواهد شد و میلیون‌ها نفر هر صبح و شام در این بناهای پاک، خداوند را صدا می‌کنند و در برابرش سر تسلیم به خاک عبادت می‌سایند.

در قم که امروز و گذشته از مهم‌ترین مراکز و مناطق شیعی در جهان بوده است، مسجدی مشهور و

گفته شده که: «بعید نیست این مسجد «مسجد عتیق» - نخستین مسجد بنا شده در این منطقه - باشد که در روزگاران قدیم معبد آتش پرستان زرتشتی بوده است و پس از طلوع خورشید اسلام و محو دوران آتش پرستی، «احوص بن سعد اشعری» آن را ویران ساخته، بر جای آن مسجد مزبور را ساخته باشد. البته ممکن است آن «مسجد جامع ابوالصّدم حسین بن علی بن آدم اشعری» باشد»^{۱۶۶}.

از بنای قدیم و کهن آن اطلاع درستی نداریم. آنچه امروز موجود است از بناهای مربوط به قرون ۱۱ و ۱۲ است. بخشی از ساختمان این مسجد اثر کلبعلی بن استاد سلطان قمی در ۱۱۲۹ ق است؛ و بخشی از ساختمان این اثر هم به همت حاج محمد ابراهیم تاجر قمی و حاج علینقی تاجر کاشانی و فرزندش حاج محمد علی کاشانی ساخته شده است.^{۱۶۷}

وقفنامه‌ای از قرن نهم

تولیت و امامت جماعت مسجد امام علیه السلام در قم از قرن نهم به بعد از مناصب مهم و تأثیرگذار در این شهر

بوده است. نام مسجد و متولیان آن در اسناد و احکام آستانه مقدسه قم زیاد تکرار شده است.

شهرت انتساب این مسجد به نام مبارک امام حسن عسکری علیه السلام از اسناد، احکام و وقفنامه‌ها مشهود است. به عنوان نمونه امیر یوسف خواجه فرزند شیخ علی بهادر (از امرای دوره تیموریان) در ۲۰ رمضان سال ۸۴۲ اجزاء قرآنی را وقف بر مسجد جامع عتیق قم، منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام واقع در بیرون درب ساوه نموده است.

متن وقفنامه چنین است:

«وقف وحبس هذا الجزء مع الأجزاء التسعة والعشرين الباقية من كلام الله رب العالمين والصندوق المسدس المجلد المتين الأمير الأعظم الكبير الأفخم غياث الدولة والدنيا والدين الأمير يوسف خواجه بهادر بن الأمير السعيد الكبير الشهيد مظفر الدولة والدين الأمير شيخ علي بهادر - عمّت معدّلتّه - علی المسجد الجامع العتیق الخارج درب ساوه من دروب مدینة قم - حماها الله عن الآفات والحوادث - المنسوب الی الامام الهمام الحسن العسکری علیه السلام خالصالله

مقدس ائمه جماعت لایقی چون حضرات آیات: شیخ ابوالقاسم قمی، میرزا محمد فیض قمی، سید صدر الدین صدر، محمد میرزا کبیر قمی، حاج میرزا ابوالفضل زاهدی، حاج آقا مرتضی حائری یزدی، حاج آقا رضا صدر، آقا شیخ عباسعلی شاهرودی و آقا سید ابوالقاسم روحانی به هدایت مردم پرداخته‌اند.

امروزه نیز بزرگانی همچون حضرات آیات سید محمدعلی روحانی، حاج آقا مهدی فیض، حاج

تعالی و ابتغاء لمرضاته والزلفی لديه فی جناته، ليقراً فيه خصوصاً أيام الجمعات وفقاً صحيحاً شرعياً مؤبداً مخلداً مشروطاً علی أن لا يخرج منه ولا یقرأ خارجہ. تقبل الله منه بقبول حسن! فی العشرين من رمضان لسنة اثنين و أربعين وثمانمئة هجرية»^{۱۶۸}.

جایگاه مسجد امام قم در دوره

معاصر

انتساب این مسجد به امام عسکری علیه السلام و اخلاص بانیان و



شیخ محمود زاهدی و آقای شاهرودی اقامه جماعت دارند و باید از مرحوم آیه الله حاج سید حسین بدلاء قمی و همچنین آیه الله سید محمدعلی آل غفور جزایری که در سال‌های اخیر

احیاگران آن و موقعیت جغرافیایی و برخورداری اش از امامان جمعه و جماعت پرآوازه و تأثیرگذار، موجب رونق و اقبال عمومی نسبت به این مسجد شده است. در این مکان

فوت کرده‌اند نیز یاد نمود. روحشان
قرین رحمت حق باد.

این مسجد که از شمال به خیابان
آذر، از غرب به رودخانه (خیابان
حضرتی) و از سمت شرق به خیابان
آستانه محدود است، دارای چند
شبستان می‌باشد. شبستان‌های مسجد،
با ستون‌های آجری قدیمی و سه درب
ورودی که از خیابان‌های اطراف به
درون آن باز می‌شود، جلوه‌ای خاص
به آن بخشیده است.

از پشت بام مسجد نیز برای برگزاری
نماز جماعت، در ایام تابستان استفاده
می‌شود. ضرورت تلاش برای توسعه،
آبادانی و رونق در خور این جایگاه
ملکوتی، مرحوم آیه الله العظمی حاج
سید محمد رضا گلپایگانی را بر آن
داشت تا با خرید هفت هزار متر از
زمین‌های سمت قبله، به بازسازی و
توسعه آن پردازد.

پس از ارتحال آن فقیه سعید، کلنگ
توسعه مسجد، در سال ۱۳۷۷ ش، با
زیربنای ۲۴ هزار متر توسط آیه الله
العظمی صافی گلپایگانی زده شد و
با نظارت و عنایات ایشان و همیاری
دلسوزانه مؤمنان نیکوکار، ساخت و
ساز این بنای بزرگ به طرز باشکوهی

در حال انجام است.

قابل ذکر این که در دوران اخیر، و
گویا از زمان مرجعیت زعیم بزرگ
شیعه آیه الله العظمی حاج آقا حسین
طباطبایی بروجردی، «اعتکاف» در
این مسجد شروع شد و پس از آن
بر میزان استقبال اقشار مردم مؤمن و
متدین افزوده گردید و در سال‌های
اخیر رشد و گسترش فوق‌العاده‌ای
پیدا کرد؛ به گونه‌ای که در بعضی از
سال‌ها از شهرهای اطراف نیز برای
درک برکات و فیوضات «اعتکاف»،
به قم آمده و در این مکان مقدس،
معتکف شده‌اند.

همچنین در این مسجد، مجتهدان و
مدرسین عالی مقام و ناموری، صاحب
کرسی تدریس بوده و حوزه‌های بزرگ
علمی در شبستان‌های مسجد تشکیل
می‌گردید. چنان‌که بزرگانی چون
حضرات آیات: سید محمد محقق
داماد، سید محمد رضا گلپایگانی،
محمد تقی ستوده، سید محمد باقر
سلطانی طباطبایی و دیگران به آموزش
فقه و اصول اشتغال داشتند و برخی
از اساتید نیز تفسیر قرآن، نهج البلاغه،
ادبیات و طب تدریس می‌کردند.
آیه الله میرزا ابوالفضل زاهدی قمی،

أَبْلَغُ مَوَالِينَا عَنَّا السَّلَامَ وَ أَخْبِرُهُمْ أَنَا لَنْ نُنْغِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِعَمَلٍ، وَ أَنَّهُمْ لَنْ يَنَالُوا وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِعَمَلٍ أَوْ وَرَعٍ، وَ أَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَى غَيْرِهِ ۱۷۰.

امام صادق علیه السلام فرمودند: سلام ما را به شیعیان و پیروان ما ابلاغ کن و بگو: ما نمی توانیم شما را از عذاب الهی نجات دهیم؛ و قطعاً آنچه نزد خدا است جز به عمل به دست نمی آید؛ و شیعیان ما تنها با عمل و ورع به ولایت ما می رسند؛ و روز قیامت بیشترین حسرت را کسانی می خورند که از عدل و داد سخن بگویند، سپس با آنچه گفته اند مخالفت نمایند.

کتابخانه ای را در زیرزمین مسجد تأسیس نمود که اینک در حدود ۴/۰۰۰ جلد کتاب در آن موجود است ۱۶۹.

به هر حال قرن هاست که این مسجد مبارک به نام نامی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و مشهور به همت نایب الامام جناب احمد بن اسحاق اشعری قمی پابرجا و محل رفت و آمد خداجویان است. تا باد چنین باد!

جرعه ای از دریا

احمد بن اسحاق اشعری راوی ده ها روایت از پیشوایان هدایت و نور برای جویندگان راه سعادت بوده است. ۱۳۴ حدیث در منابع روایی شیعه وجود دارد که ابن اسحاق در طریق آن قرار دارد و همچنین ۱۷ روایت نیز از دیگران نقل شده که به نوعی مربوط به احمد بن اسحاق می شود. برای حسن ختام این نوشتار حدیثی را از مجموعه ارزشمندی که به وسیله او نقل شده ذکر می کنیم:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدٍ عَنِ الْأَزْدِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام:

فهرست منابع و مآخذ

- ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية فى غريب الحديث والأثر، قم: مؤسسة إسماعيليان، ۱۳۶۴ ش .
- ابن بسطام، عبد الله، طب الأئمة عليهم السلام، تحقيق: محسن عقيل، بيروت: دار المحجة البيضاء، ۱۴۱۴ ق .
- ابن جوزى، عبدالرحمن بن على، المنتظم فى تاريخ الملوك والأمم، تحقيق محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۲ق .
- ابن حزم الأندلسى، أحمد بن سعيد، جمهرة أنساب العرب، نشر: دار الكتب العلمية، بيروت ۱۴۰۳ ق .
- ابن خردادبه، عبيد الله بن عبد الله، المسالك و الممالك، تهران: حسن قره چانلو، ۱۳۷۰ .
- ابن حوقل نصيبى، ابو القاسم، صورة الأرض، بيروت: دار صادر، بى تا .
- ابن سعد، الطبقات الكبرى، بيروت: دار صادر و دار بيروت ، ۱۳۷۷ ق .
- ابن شهر آشوب، محمد بن على، معالم العلماء، نجف: المطبعة الحيدرية، ۱۳۸۰ق .
- مناقب آل أبى طالب، تحقيق: يوسف بقاعى، بيروت: دار الأضواء، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۱م .
- ابن طاووس، سيّد على بن موسى، إقبال الأعمال، تهران: دار الكتب الإسلامية ، ۱۳۶۷ق .
- ابن عنبه، احمد بن على، عمدة الطالب فى أنساب آل أبى طالب، نجف: المطبعة الحيدرية، ۱۳۸۰ .
- ابن غضائرى، احمد بن حسين، الرجال، تحقيق: محمد رضا حسيني جلالى، قم: دارالحديث، ۱۴۲۲ق .
- ابن كلبى، هشام بن محمد، نسب معد و اليمن الكبير، تحقيق ناجى حسن، بيروت: عالم الكتب، ۱۴۰۸ق .
- ارباب، محمد تقى بيك، تاريخ دار الايمان قم، به كوشش حسين مدرسى طباطبايى، قم: بى نا، بى تا .
- اردبيلى، محمد بن على، جامع الرواة و إزاحه الاشتباهات، بيروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ق .
- استرآبادى، محمد بن على، منهج المقال فى تحقيق أحوال الرجال، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۲۲ق .
- اسكافى، محمد بن همام، التمهيد، تحقيق و نشر مدرسة الإمام المهدي (عج)، قم: چاپ اول، ۱۴۰۴ق .

- اشعری قمی، محمّد بن حسن، تاریخ قم، ترجمه تاج الدین حسن قمی، تحقیق محمدرضا انصاری قمی، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۵.
- اعرجی، محسن، عدة الرجال، قم: إسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- باقری بیدهندي، ناصر، احمد بن اسحاق قمی امین امامت، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
- باقری بیدهندي، ناصر «اشعریان قم»، مجموعه رسائل کنگره بزرگداشت حضرت فاطمه معصومه عليها السلام
- بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة، قم: انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۹ق.
- بخاری، محمّد بن إسماعیل، الجامع الصحيح، تحقیق مصطفی ديب البغا، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۱۰ق.
- برقی، احمد بن محمّد، الرجال، تحقیق: جواد القیومی، نشر القیوم، ۱۴۱۹ق.
- المحاسن، تحقیق سید جلال الدین حسینی (محدث ارموی)، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- پاک، محمدرضا، فرهنگ و تمدن اسلامی در قم - قرن سوم، قم: زائر، ۱۳۸۳.
- پاک نیا، عبدالکریم، «احمد بن اسحاق قمی سفیر نور»، ستارگان حرم، قم: زائر، ۱۳۷۹.
- توکلی کرمانی، احمد، احمد بن اسحاق قمی سفیر حضرت امام زمان عليه السلام، بی جا، ۱۳۴۶.
- جابلقی بروجردی، علی اصغر، طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال، تحقیق مهدی الرجائی، قم: مکتبة آیه الله المرعشی، ۱۴۱۰ق.
- جباري، محمد رضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه عليهم السلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲.
- جزایری، عبدالنبی بن سعدالدین، حاوی الأقوال فی معرفة الرجال، قم: ریاض الناصری، ۱۴۱۸ق.
- جَزَری، ابن الأثیر، أسدُ الغابة فی معرفة الصحابة، تحقیق: علی محمّد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
- جهانانی، ابو القاسم بن احمد، أشکال العالم، ترجمه علی بن عبد السلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات فیروز منصور، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- حرّ عاملی، محمّد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة فی تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم، ۱۴۰۹ ق.
- حسینی، محمّد بن علی، الإكمال، ریاض: دار اللواء، ۱۴۱۲ق.

- حسینی خلخالی، محمد باقر، «مقابر قم»، مجموعه رسائل کنگرة بزرگداشت حضرت فاطمه معصومه عليها السلام، قم: زائر، ۱۳۸۴.
- حلی، حسن بن یوسف، خلاصة الأقوال فی معرفه الرجال، تحقیق جواد الیومى، قم: مؤسسه نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.
- حلی، علی بن داود، الرجال، تحقیق: محمد صادق آل بحر العلوم، قم: منشورات الرضى.
- حمیری، ابن عبد المنعم، الروض المعطار فی خبر الأقطار، بیروت: مؤسسه ناصر للثقافه، ۱۹۸۰م.
- خراسانی، محمد هاشم، منتخب التواریخ، تحقیق: مروج الاسلام، تهران: کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۴۷.
- خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الكبرى، بیروت: مؤسسه البلاغ، ۱۴۱۱ق.
- الخطیب، محمد عجاج، أصول الحدیث، علومه و مصطلحه، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۱ق.
- خوفی، احمد بن محمد، مجمل فصیحی، تصحیح و تحقیق: محسن ناجی نصر آبادی، تهران: اساطیر، ۱۳۸۶.
- الخوئی، السید أبو القاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، قم: مرکز نشر آثار الشیعة، چهارم.
- دوانی، علی، مفاخر اسلام، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۳.
- دومورگان، ژان ژان ماری، مطالعات جغرافیایی، تبریز: چهر، ۱۳۳۹.
- راوندی، سعید بن عبدالله، الخرائج والجرائح، تحقیق و نشر مؤسسه الإمام المهدي عج، قم ۱۴۰۹ق.
- روخانی، بابا مردوخ، تاریخ مشاهیر کرد، تهران: سروش، ۱۳۷۱.
- سلطانی، محمد علی، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، با مقدمه عبد الحسین نوایی، تهران: سها، ۱۳۷۴.
- سمعانی، عبد الکریم بن محمد، الأنساب، تحقیق عبد الله عمر البارودی، بیروت: دار الجنان.
- سیوطی، عبد الرحمن بن أبی بکر، الجامع الصغیر، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۱ق.
- تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق: احمد عمر هاشم، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۱۴ق.
- شراب، محمد محمد حسن، المعالم الأثیرة فی السنة و السیره، بیروت: دار القلم، دار

- الشامیه، ۱۴۱۱ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، الرعاية في علم الدراية، قم: كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، ۱۴۰۸ق.
- صالحى شامى، محمّد بن يوسف، سُبُل الهدى والرّشاد فى سيرة خير العباد، تحقيق: على محمّد معوّض، بيروت: دار الكتب، ۱۴۱۴ ق .
- صدر، سيد حسن، نهاية الدراية فى شرح الرساله، تحقيق ماجد الغرباوى، قم: نشر مشعر.
- صدر حاج سيد جوادى، احمد، دايرة المعارف تشيع، تهران: نشر شهيد سعيد محبى، ۱۳۷۵.
- صدوق، محمّد بن على، التوحيد، تحقيق: سيد هاشم حسيني تهرانى، قم: جامعه مدرسين.
- علل الشرائع، قم: مكتبة الداورى، افست از طبع مكتبة الحيدريّة، نجف، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۶ م .
- كمال الدين وتمام النعمة، تحقيق على اكبر غفارى، قم: مؤسسه النشر الإسلامى، ۱۴۰۵ق.
- صفار، محمّد بن حسن، بصائر الدرجات، قم: كتابخانه آية الله مرعشى، قم، چاپ اول ۱۴۰۴ق .
- طبرسى، احمد بن على، الاحتجاج، تحقيق: ابراهيم بهادرى ومحمّد هادى به، تهران: اسوه، ۱۴۱۳ ق .
- طبرى، جرير بن رستم، دلائل الإمامة، تحقيق: قسم الدراسات الإسلامية، قم: مؤسسه البعثة، ۱۴۱۳ ق .
- طريحي، فخرالدين بن محمد، جامع المقال فيما يتعلق بأحوال الحديث و الرجال، تحقيق: محمد كاظم طريحي، تهران: كتابفروشى جعفرى.
- دينورى، احمد بن داود، الأخبار الطوال، تهران: نشر نى، ۱۳۶۸.
- طبرسى، فضل بن حسن، إعلام الورى بأعلام الهدى، تحقيق ونشر مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم، ۱۴۱۷ ق .
- طوسى، محمد بن حسن، اختيار معرفة الرجال (رجال الكشّى)، تحقيق سيّد مهدي الرجائى ، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۴ ق / ۱۳۶۲.
- الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، تصحيح سيد حسن موسى خرسان، بيروت: دار الأضواء، ۱۴۰۶ق.
- الأمالى، تحقيق و نشر مؤسسه البعثة، قم ۱۴۱۴ ق .
- تهذيب الأحكام فى شرح المقنعة، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۳۶۴ش.

- الرجال، تحقيق: جواد القيومى، قم: انتشارات جامعه مدرسين قم، ١٤١٥ق.
- الغيبة، تحقيق عباد الله طهرانى وعلى احمد ناصح، قم: مؤسسه المعارف الإسلاميه، چاپ اول، ١٤١١ق.
- الفهرست، تحقيق جواد القيومى، قم: مؤسسة نشر الفقاهه، ١٤١٧ق.
- عسقلانى، محمد بن حجر، الإصابة فى تمييز الصحابة، تحقيق ولى عارف، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٣ق.
- عليارى، على بن عبدالله، بهجة الآمال فى شرح زبدة المقال، تهران: بنياد فرهنگ اسلامى كوشانپور.
- فراهيدى، خليل بن احمد، العين، تحقيق دكتور مهدى مخزومى و دكتور ابراهيم سامرائى، دار الهجرة، قم ١٤٠٥ق.
- فقيه محمدى، محمد مهدى، انوار پراكنده، قم: مسجد مقدس جمكران، ١٣٧٦.
- فقيهى، على اصغر، تاريخ مذهبي قم، قم: زائر، ١٣٧٨.
- فيض، عباس، انجم فروزان، قم: بى نا، ١٣٢٢.
- فيض، عباس، گنجینه آثار قم، قم: مهر استوار، ١٣٤٩.
- فيومى، أحمد بن محمد، المصباح المنير، قم: مؤسسة دار الهجرة، ١٤١٤ق.
- قرطبي، محمد بن عبد البر، الاستيعاب فى أسماء الأصحاب، تحقيق على محمد معوض و عادل أحمد عبد الموجود، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤١٥ق.
- قزوينى، زكريا بن محمد، آثار البلاد و أخبار العباد، تهران: مؤسسه علمى انديشه جوان، ١٣٦٦.
- قلقشندى، احمد بن على، صبح الأعشى فى صناعة الإنشاء، مصر: وزارة الثقافة والإرشاد القومى، ١٣٨٣ق.
- قمى، عباس، الأنوار البهية، قم: دار الذخائر، ١٣٧٠ش.
- منتهى الآمال فى تاريخ النبى و الآل، تهران: كتابخانه و مطبعه علمى، ١٣٥٥ق.
- هدية الزائرين و بهجة الناظرين، تصحيح: سيد محمدتقى كشفى، تهران: دهقان، ١٣٧٩.
- كاظمى، عبد النبى، تكملة الرجال، تحقيق و تقديم: محمد صادق بحر العلوم، قم: انوار الهداى، ١٤٢٥.
- كتانى، محمد بن جعفر، الرسالة المستطرفة، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٠٠ق.
- كحاله، عمر رضا، معجم قبائل العرب، دمشق: مطبعة الهاشمية.
- كچوئى قمى، محمد على، أنوار المشعشعين فى بيان حالات الرواة القميين، تحقيق محمد رضا انصارى قمى، قم: كتابخانه آية الله العظمى مرعى، ١٣٨١.

- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۸۸ ق .
- مادلونگ، ویلفرد، فرقه‌های اسلامی، ترجمه ابو القاسم سری، تهران: اساطیر، ۱۳۸۱.
- مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، تحقیق: محیی‌الدین المامقانی، قم: مؤسسه آل‌البيت علیه‌السلام، ۱۴۲۳ق.
- مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایة فی علم الدرایة، تحقیق: محمدرضا المامقانی، بیروت: مؤسسه آل‌البيت علیه‌السلام، ۱۴۱۱ق.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیه‌السلام، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- مدرسی طباطبائی، حسین، تربت پاکان، قم: مهر، ۱۳۳۵.
- مسعودی، مجید، پس از دیدار، قم: دلیل ما، ۱۳۸۶.
- مصطفوی، سید حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۹۵ق.
- مظفری معارف، حسن، تاریخچه و احکام مساجد و مشاهد قم، مشهد: بی نا، بی تا.
- مفید، محمد بن نعمان (منسوب)، الاختصاص، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم .
- منجم، اسحاق بن حسین، آکام المرجان فی ذکر المدائن المشهورة فی کلّ مکان، تصحیح محمد آصف فکرت، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
- مؤسسه الإمام هادی علیه‌السلام، أحمد بن إسحاق الثقة المرضی، قم: پیام امام هادی علیه‌السلام، ۱۴۲۸ق.
- نجاشی، احمد اسدی کوفی، الرجال، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.
- نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحديث، اصفهان: حسینیة عمادزاده، ۱۴۱۲ق.
- وحید بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل، فوائد الوحيد، تحقیق محمد صادق بحر العلوم، قم: مکتب الإعلام الإسلامي، ۱۴۰۴ق.
- یعقوبی، احمد بن ابو یعقوب، البلدان، نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۷۷ق.
- یوسفی اشکوری، سید حسن، «اشعریان»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی (زیر نظر محمد کاظم موسوی بجنوردی)، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۹.

پی نوشت

۱. اشعر به معنای پرمو است و اُد را به این لقب خوانده‌اند. ر.ک: الإكمال ابن ماکولا، ج ۱، ص ۸۷.
۲. جمهرة أنساب العرب، ص ۳۹۸؛ الأنساب، ج ۱، ص ۲۶۶؛ الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۲۵۰.
۳. المعالم الأثرية فى السنة و السيرة، ص ۲۸.
۴. نسب معد و اليمن الكبير، ج ۱، ص ۳۳۹؛ معجم قبائل العرب، ج ۱، ص ۳۱.
۵. تاریخ قم، ص ۲۶۷.
۶. ر.ک: الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۳۴۸؛ الإصابة، ج ۴، ص ۵۶۱؛ سبل الهدى، ج ۶، ص ۲۷۳؛ المنتظم، ج ۳، ص ۳۰۴.
۷. الاستيعاب، ج ۴، ص ۱۷۰۴؛ أسد الغابة، ج ۳، ص ۴۴۶.
۸. تاریخ قم، ص ۲۹۱.
۹. الأخبار الطوال، ص ۳۰۷؛ تاریخ قم، ص ۲۸۴؛ رجال النجاشى، ص ۸۱، رقم ۱۹۸.
۱۰. ر.ک: مدخل «اشعريان»، سيد حسن يوسفى اشکورى، دایرة المعارف بزرگ اسلامى.
۱۱. مذحج بن کهلان بن سبأ از عرب‌های عاریه و اهل یمن بوده‌اند. ر.ک: صبح الأعشى، ج ۴، ص ۲۲۱.
۱۲. البلدان، ص ۸۴؛ الروض المعطار فى خبر الأقطار، ص ۴۷۳.
۱۳. الأنساب، ج ۱، ص ۴۸۵؛ جمهرة أنساب العرب، ص ۳۹۷؛ تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۲.
۱۴. معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۹۷.
۱۵. تاریخ قم، ص ۲۴۵.
۱۶. همان، ص ۲۴۶.
۱۷. پیشین، ص ۲۴۸.
۱۸. پیشین، ص ۲۴۹.
۱۹. ر.ک: مقالات تاریخی، رسول جعفریان، ج ۱، ص ۳۷۷؛ فرقه‌های اسلامى، مادلونگ، ص ۱۳۰.
۲۰. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۲۵۷؛ تاریخ قم، ص ۲۷۷-۲۷۹؛ معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۹۷؛ الأنساب، سمعانى، ج ۴، ص ۵۴۲-۵۴۳.
۲۱. المسالك و الممالک، ص ۱۶۶.
۲۲. أشكال العالم، ص ۱۴۳.
۲۳. صورة الأرض، ص ۳۱۵.
۲۴. معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۵۱.
۲۵. ر.ک: «اشعريان قم» مجموعه رسائل کنگره بزرگداشت حضرت فاطمه معصومه عليها السلام، به تصحيح: ناصر باقرى بيدهندى.
۲۶. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۵۱، ح ۶۸.
۲۷. ر.ک: «اشعريان»، دایرة المعارف تشيع.
۲۸. بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۲.
۲۹. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۲ - ۲۲۱.
۳۰. رجال النجاشى، ص ۷۳، رقم ۱۷۴.

۳۱. رجال الطوسی، ج ۱، ص ۱۶۲، رقم ۱۸۳۷.
۳۲. رجال ابن داود، ج ۱، ص ۵۲، رقم ۱۶۰؛ خلاصة الأقوال، ص ۱۱، رقم ۶؛ رجال البرقی، ج ۱، ص ۲۸.
۳۳. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۲۵۳؛ تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۶، ح ۵؛ الاستبصار، ج ۱، ص ۷۹، ح ۲۴۶.
۳۴. تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۱۷۲، ح ۵۷۵ و ص ۱۷۳، ح ۵۸۰ و ص ۲۰۰، ح ۶۶۴ و ص ۲۹۰، ح ۹۸۵؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۲۴۸، ح ۸۷۰ و ج ۲، ص ۲۴۹، ح ۸۷۵ و ص ۲۵۹، ح ۹۱۵ و ص ۳۰۳، ح ۱۰۸۳.
۳۵. «احمد بن اسحاق قمی سفیر نور» عبدالکریم پاکنیا، ستارگان حرم، ج ۴، ص ۱۰۳.
۳۶. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۴۰۰، ح ۲۲۸۴۱.
۳۷. الکافی، ج ۵، ص ۱۵۳، ح ۱۷.
۳۸. رجال الطوسی، ص ۱۴۳، رقم ۱۷.
۳۹. رجال النجاشی، ص ۱۷۴، رقم ۴۵۸.
۴۰. رجال البرقی، ص ۱۰۶، رقم ۷۲۱.
۴۱. رجال البرقی، ص ۸۴، رقم ۳۵۱.
۴۲. رجال الطوسی، ص ۲۳۴، رقم ۱۷۳.
۴۳. رجال الطوسی، ص ۲۵۶، رقم ۵۴۳.
۴۴. رجال الطوسی، ص ۲۵۸، رقم ۵۶۹.
۴۵. رجال الطوسی، ص ۳۰۷، رقم ۴۳۷.
۴۶. الکافی، ج ۳، ص ۱۷۶، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۲۴۳، ح ۵.
۴۷. رجال البرقی، ص ۸۳، رقم ۳۳۸؛ تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۷۴، ح ۲۳.
۴۸. ر.ک: رجال النجاشی، ص ۱۰۸، رقم ۲۷۳؛ الفهرست طوسی، ص ۴۳۴، رقم ۶۸۷؛ رجال الطوسی، ص ۳۳۲، رقم ۱۹۸۷؛ رجال الکشی، ص ۵۹۲، ح ۱۱۰۷؛ رجال البرقی، ص ۴۰، رجال ابن داود، ص ۷۳، رقم؛ خلاصة الأقوال، ص ۲۶، رقم ۱.
۴۹. ر.ک: رجال النجاشی، ص ۱۹۲، رقم ۵۱۵؛ فهرست الطوسی، ص ۲۲۶، رقم ۳۳۶؛ رجال الطوسی، ص ۲۱۵، رقم ۳۳۶؛ رجال البرقی، ص ۲۴؛ رجال ابن داود، ص ۱۷۱، رقم ۶۸۶؛ خلاصة الأقوال، ص ۲۷۱، رقم ۳۲.
۵۰. ر.ک: رجال النجاشی، ص ۱۵۶، رقم ۴۱۱؛ فهرست الطوسی، ص ۱۸۱، رقم ۲۷۷؛ رجال الطوسی، ص ۳۷۵، رقم ۵۵۵۳؛ رجال الکشی، ص ۵۷۱، ح ۱۰۸۰؛ رجال البرقی، ص ۵۶؛ خلاصة الأقوال، ص ۶۸، رقم ۹۴؛ رجال ابن داود، ص ۱۴۶.
۵۱. ر.ک: رجال النجاشی، ص ۲۱۳، رقم ۵۵۷؛ فهرست الطوسی، ص ۲۹۵، رقم ۴۴۳؛ رجال الطوسی، ص ۲۳۱، رقم ۳۱۳۱؛ رجال الکشی، ص ۲۸۹، ح ۷۳۱؛ رجال البرقی، ص ۲۲؛

- رجال ابن داود، ص ۲۱۴، رقم ۸۹۱؛ خلاصة الأقوال، ص ۱۰۸، رقم ۲۹.
۵۲. ر.ک: رجال النجاشی، ص ۴۵۳، رقم ۱۲۲۸؛ فهرست الطوسی، ص ۵۱۵، رقم ۸۲۱؛ رجال الطوسی، ص ۳۶۹، رقم ۵۴۹۱؛ رجال البرقی، ص ۵۱، رجال ابن داود، ص ۳۷۰، رقم ۱۶۵۶.
۵۳. رجال النجاشی، ص ۶۰، رقم ۱۳۸؛ رجال ابن غضائری، ص ۵۱.
۵۴. بصائر الدرجات، ص ۱۵۲، ح ۶ و ص ۲۹۹، ح ۱۵ و ص ۴۶۲، ح ۵ و ص ۴۷۳، ح ۹.
۵۵. فهرست الطوسی، ص ۲۰۶، رقم ۳۰۸؛ رجال النجاشی، ص ۱۷۴، رقم ۴۵۸.
۵۶. الفقیه، ج ۴، ص ۴۷۰.
۵۷. رجال ابن غضائری، ص ۸۶؛ خلاصة الأقوال، ص ۲۴۸، رقم ۶؛ رجال ابن داود، ص ۴۹۴، رقم ۳۹۱.
۵۸. فهرست الطوسی، ص ۳۷۱، رقم ۵۷۷.
۵۹. بصائر الدرجات، ص ۲۴۴، ح ۱۶ و ۱۷.
۶۰. رجال النجاشی، ص ۴۳۵، رقم ۱۱۶۷؛ رجال الطوسی، ص ۳۱۹، رقم ۴۷۵۵.
۶۱. الفقیه، ج ۴، ص ۴۴۹.
۶۲. برخی از محققان زکریا بن محمد مؤمن را نیز در عداد مشایخ احمد بن اسحاق ذکر کرده‌اند. او از واقفیه
- و در طبقه شاگردان امام صادق علیه السلام است. روایتی را شیخ طوسی در تهذیب به این سند نقل کرده است: «محمد بن یعقوب عن الحسين بن محمد عن احمد بن اسحاق عن زکریا بن محمد عن ابن ابی یعفور». چنانکه محققان محترم در برنامه درایه النور فرموده‌اند، این سند دارای اشکال است و ظاهراً به جای زکریا بن محمد باید «بکر بن محمد» باشد.
۶۳. طب الأئمة، ص ۸۱؛ مستدرکات علم رجال الحديث، ج ۵، ص ۴۶، رقم ۸۴۴۲.
۶۴. رجال النجاشی، ص ۲۱۸، رقم ۵۶۸؛ رجال الطوسی، ص ۳۴۰، رقم ۵۰۶۲؛ رجال ابن غضائری، ص ۷۸.
۶۵. الغيبة، طوسی، ص ۱۵۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۱، ح ۱۲.
۶۶. الکافی، ج ۱، ص ۷۲، ح ۱۰.
۶۷. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۹۴، ح ۲۵۴؛ معجم رجال الحديث، ج ۲، ص ۱۷۴، رقم ۷۱۴.
۶۸. تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۳۰۸، ح ۱۲۴۹؛ رجال النجاشی، ص ۷۶، رقم ۱۸۲.
۶۹. الفقیه، ج ۴، ص ۱۸۷، ح ۵۴۲۹؛ فهرست الطوسی، ص ۶۷، رقم ۸۵.
۷۰. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۴۱۶، ح ۹۷۳۴؛ رجال الطوسی، ص ۴۱۳، رقم ۵۹۷۸.
۷۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۳، ح ۹؛ رجال

۸۴. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۴۱۶، ح ۹۷۳۴؛ رجال النجاشی، ص ۳۷۲، رقم ۱۰۱۹.
۸۵. بحار الأنوار، ج ۳۱، ص ۱۲۰ و ج ۹۸، ص ۳۵۱، ح ۱.
۸۶. الکافی، ج ۱، ص ۱۴۳، ح ۴؛ رجال النجاشی، ص ۳۵۳، رقم ۹۴۶.
۸۷. بحار الأنوار، ج ۳۱، ص ۱۲۰ و ج ۹۸، ص ۳۵۱، ح ۱.
۸۸. رجال النجاشی، ص ۶۶، رقم ۱۵۶؛ رجال الطوسی، ص ۴۲۴، رقم ۶۱۰۶؛ خلاصة الأقوال، ص ۵۲، رقم ۲۴.
۸۹. رجال النجاشی، ص ۲۱۹، رقم ۵۷۳؛ فهرست الطوسی، ص ۳۸۹، رقم ۵۷۲۷؛ رجال الکشی، ص ۶۰۵، رقم ۱۱۲۴؛ خلاصة الأقوال، ص ۱۰۶، رقم ۲۰.
۹۰. الفقیه، ج ۲، ص ۱۷، ح ۱۶۰۰.
۹۱. احمد بن اسحاق قمی امین امامت، ص ۷۰.
۹۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۴ - ۲۵.
۹۳. رجال البرقی، ص ۵۹ و ۶۰.
۹۴. رجال کثی، ص ۵۵۷، رقم ۱۰۵۱.
۹۵. به خاطر «تقیه» نام امام عصر عجل الله فرجه را نمی‌بردند و به کنایه از ایشان یاد می‌کردند.
۹۶. منظور از غائب علیل، علی بن جعفر یمانی یا یمنی است که گویا بیمار و علیل بوده است.
۹۷. رجال الکشی، ص ۵۵۷، رقم ۱۰۵۱.
- النجاشی، ص ۶۶، رقم ۱۵۶.
۷۲. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۸۷، ح ۱۹۸۷۲؛ رجال النجاشی، ص ۱۷۷، رقم ۴۶۷.
۷۳. وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۱۳۶، ح ۲۴۳۱۰؛ رجال النجاشی، ص ۱۸۵، رقم ۴۹۰.
۷۴. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۷۷، ح ۱۷۳؛ رجال النجاشی، ص ۲۱۹، رقم ۵۷۳.
۷۵. الکافی، ج ۷، ص ۲۹۶، ح ۳؛ رجال النجاشی، ص ۲۱۸، رقم ۵۷۰.
۷۶. الفقیه، ج ۴، ص ۴۷۰؛ رجال النجاشی، ص ۲۶۰، رقم ۶۸۰.
۷۷. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۰۸، ح ۷.
۷۸. علل الشرایع، ص ۳۴۲، ذیل ح ۴.
۷۹. علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۴۲ - ۳۴۳، ح ۴.
۸۰. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۶۴، ح ۲۱۶؛ رجال النجاشی، ص ۲۶۰، رقم ۶۸۱.
۸۱. تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۲۰۶، ح ۱۳؛ رجال النجاشی، ص ۲۵۳، رقم ۶۶۴.
۸۲. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۴۸، ح ۶۷۵۵؛ رجال النجاشی، ص ۳۴۸، رقم ۹۳۹.
۸۳. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۰۱، ح ۱۹۶۹۱؛ رجال النجاشی، ص ۳۵۴، رقم ۹۴۸.

- ٩٨ . رجال النجاشى، ص ٩١، رقم ٢٢٥ .
- ٩٩ . رجال الطوسى، ص ٣٧٣، رقم ٥٥٢٦ .
- ١٠٠ . فهرست الطوسى، ص ٦٣، رقم ٧٨ .
- ١٠١ . معالم العلماء، ص ١٤، ش ٦٩ .
- ١٠٢ . رجال ابن داوود، ص ٣٦، ش ٥٩ .
- ١٠٣ . خلاصة الأقوال، ص ١٥، رقم ٨ .
- ١٠٤ . منهج المقال، ص ٣١ و ٣٢، اعلام الورى، ج ١، ص ٤٤٤ .
- ١٠٥ . جامع الرواة، ج ١، ص ٤٢ و ٤٣ .
- ١٠٦ . بهجة الآمال فى شرح زبدة المقال، ج ٢، ص ١٨، ح ٢١؛ منتهى الآمال، ج ٢، ص ٧٣٧، تنقيح المقال، ج ١، ص ٥٠، ش ٢٩٤؛ طرائف المقال فى معرفة طبقات الرجال، ج ١، ص ٢٧٥ و ٢٧٦، ش ١٨٤٥؛ معجم رجال الحديث، ج ٢، ص ٤٣ - ٥٠، ش ٤٢٨ - ٤٣٣؛ قاموس الرجال، ج ١، ص ٣٩٣ - ٣٩٨، ش ٢٩١ .
- ١٠٧ . نجم الثاقب، باب ششم، ص ٣٥٥ و ٣٥٦ .
- ١٠٨ . رجال الطوسى، ص ٣٧٣، رقم ٥٥٢٦؛ رجال النجاشى، ص ٩١، رقم ٢٢٥ .
- ١٠٩ . رجال النجاشى، ص ٩١، رقم ٢٢٥؛ رجال البرقى، ص ١٣٩، رقم ١٦١١ .
- ١١٠ . رك: الكافى، ج ١، ص ٣٢٩، ح ١؛ مناقب آل ابى طالب عليه السلام، ج ٣، ص ٥١٢؛ كمال الدين و تمام النعمة، ص ٤٠٨، ح ٧ .
- ١١١ . رجال الطوسى، ص ٣٩٧، رقم ٥٨١٧؛ دلائل الإمامة، ص ٢٧٢؛ جامع الرواة، ج ١، ص ٤٢؛ بحار الأنوار، ج ٥٠، ص ٣٢٣، ح ١٧؛ كمال الدين و تمام النعمة، ص ٢٢٢؛ الغيبة طوسى، ص ٢٥١، ح ٢٢٠ و ٣٥٤، ح ٣١٥؛ الكافى، ج ١، ص ٥١٣، ح ٢٧ .
- ١١٢ . كمال الدين و تمام النعمة، ص ٤٠٨، ح ٧ و ٤٤٢، ح ١٦؛ الغيبة طوسى، ص ١٥١ .
- ١١٣ . رك: سازمان وكالت و نقش آن در عصر ائمه ٧، ج ١، ص ٤٨-٥٧ .
- ١١٤ . رك: حاوى الأقوال، ج ١، ص ١٠١؛ تكملة الرجال، ج ١، ص ٥١؛ عدة الرجال، ج ١، ص ١٣٤؛ نهاية الدراية، ص ٤١٧؛ جامع المقال، ص ٢٧؛ مقياس الهداية، ج ٢، ص ٢٥٨؛ تنقيح المقال، ج ١، ص ٢١٠؛ الفوائد وحيد، ص ٤٥؛ منهج المقال، ص ٢١ .
- ١١٥ . فهرست الطوسى، ص ٦٣، رقم ٧٨ .
- ١١٦ . رجال النجاشى، ص ٩١، رقم ٢٢٥ .
- ١١٧ . تاريخ قم، ص ٢١١ .
- ١١٨ . دلائل الإمامة، ص ٢٧٢ .
- ١١٩ . الغيبة طوسى، ص ٢١٥ .
- ١٢٠ . همان .
- ١٢١ . المناقب ابن شهر آشوب، ج ٤، ص ٤٠٩ .
- ١٢٢ . الكافى، ج ١، ص ٥١٣، ح ٢٧ .
- ١٢٣ . كمال الدين و تمام النعمة، ص

۱۳۶. ر.ک: تدریب الراوی، ج ۱، ص ۴۱؛ الجرح و التعديل، ج ۹، ص ۳۳۷.
۱۳۷. برای آگاهی بیشتر ر.ک: «تدوین حدیث، کتابت» محمد علی مهدوی راد، علوم حدیث، ش ۲، زمستان ۱۳۷۵.
۱۳۸. رجال النجاشی، ص ۹۱، رقم ۲۲۵.
۱۳۹. فهرست الطوسی، ص ۶۳، رقم ۷۸.
۱۴۰. همان.
۱۴۱. فهرست الطوسی، ص ۶۳، رقم ۷۸.
۱۴۲. رجال الکشی، ص ۵۵۷، ح ۱۰۵۱؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۵۴-۴۶۵، ح ۲۱؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۵۶۳-۵۸۰، ح ۳۴۱.
۱۴۳. آثار البلاد و أخبار العباد، ص ۴۳۰.
۱۴۴. ر.ک: آکام المرجام فی ذکر المدائن المشهورة فی کل مکان، ص ۶۸؛ البلدان، یعقوبی، ص ۷۵؛ الروض المعطار فی خبر الأقطار، ص ۱۹۵.
۱۴۵. معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۹۰ و ۲۹۲.
۱۴۶. ر.ک: سایت جامع گردشگری ایران؛ مطالعات جغرافیایی، ژاک دومرگان، ج ۲، ص ۱۱۰ و ۱۱۸.
۱۴۷. ر.ک: جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان؛ سر پل نهاب در گذر تاریخ؛ تاریخ مشاهیر کرد و... و
- ۴۴۲، ح ۱۶.
۱۲۴. الغيبة، طوسی، ۱۷۴-۱۷۶.
۱۲۵. آنچه ذکر شد خلاصه دلایل و شواهدی است که محقق گرامی جناب آقای دکتر جباری آنها را به تفصیل بحث کرده‌اند. برای بررسی بیشتر ر.ک: سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، محمد رضا جباری، ص ۵۴۸-۵۵۶.
۱۲۶. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۴۳۳، ص ۱۶.
۱۲۷. همان، ص ۲۲، ح ۹.
۱۲۸. همان، ص ۳۸۴، ح ۱.
۱۲۹. الغيبة طوسی، ص ۲۵۷-۲۵۸.
۱۳۰. همان، ص ۱۷۴-۱۷۶؛ الاحتجاج، طبرسی، ص ۴۸۶-۴۸۹.
۱۳۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۵۴-۴۶۵، ح ۲۱؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۵۶۳-۵۸۰، ح ۳۴۱.
۱۳۲. الغيبة، طوسی، ص ۱۴۶.
۱۳۳. الکافی، ج ۱، ص ۵۱۷، ح ۴.
۱۳۴. رجال الکشی، ص ۵۵۷، ح ۱۰۵۱.
۱۳۵. این بحث را محقق گرامی جناب آقای محمد رضا جباری به تفصیل ذکر کرده‌اند که عمده استفاده ما در این بخش از مطالب ایشان بوده است. ر.ک: أحمد بن إسحاق الثقة المرضی، ص ۴۳-۴۴؛ سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، ج ۲، ص ۵۴۸-۵۵۶؛ مفاخر اسلام، علی دوانی، ج ۲، ص ۳۷.

۱۴۸. معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۹۲.
۱۴۹. نجم الثاقب، ص ۲۷۳.
۱۵۰. احمد بن اسحاق قمی سفیر حضرت امام زمان علیه السلام، ص ۱۳۹-۱۴۰.
۱۵۱. همان، ص ۱۴۰-۱۴۵.
۱۵۲. پس از دیدار، ص ۱۱۵.
۱۵۳. منتخب التواریخ، ص ۴۹۳: مقابر قم، ص ۱۱۲.
۱۵۴. منتهی الآمال، ص ۳۳۰: هدیه الزائرین و بهجة الناظرین، ص ۴۶۴.
۱۵۵. انجم فروزان، ص ۱۵۷: انوار پراکنده، ص ۳۴۱.
۱۵۶. منسوب به بطحان در مدینه است. ر.ک: عمدة الطالب، ص ۷۲.
۱۵۷. أنوار المشعشین، ج ۲، ص ۱۲۰ - ۱۲۱.
۱۵۸. عمدة الطالب (چاپ نجف)، ص ۷۲ و (چاپ انصاریان) ص ۶۷.
۱۵۹. ر.ک: عمدة الطالب، ص ۵۱: تاریخ قم، ص ۴۹ و ۳۱۶.
۱۶۰. اینکه برخی بزرگان به استناد نسخه عمدة الطالب کتابخانه مسجد اعظم قم فرموده‌اند ممکن است عبارت عمدة الطالب «بشِق بم» باشد، مشکل می‌نماید ر.ک: تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۹. دوست دانشمندم جناب آقای محمد هادی خالقی تذکر دادند معمول کتاب‌های مربوط به بم را جستجو کرده‌اند، از هیچ ناصر الدین نامی یا علی بن مهدی نامی که در بم دفن شده باشد و یا محلی به نام
- سورانیکی، گزارشی وجود ندارد.
۱۶۱. این کلمه از «سوران» و حرف نسبت «یک» ترکیب شده که معلوم است منسوب به سوران یا سورین است. مانند نزدیک که منسوب به نزد است و یا تاریک که منسوب به تاریک است.
۱۶۲. تاریخ قم، ص ۲۳۶ و ۲۵۴.
۱۶۳. تاریخ قم، ص ۸۷ و ۱۶۸ و ۲۳۶ و ۲۵۴ و ۳۲۴ و همچنین در: مجمل فصیحی و خلاصة البلدان قاضی قمی.
۱۶۴. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۶۸۶: انوار پراکنده، ص ۳۲۳-۳۳۲.
۱۶۵. تربت پاکان قم، ج ۲، ص ۱۱۶: تاریخ دار الایمان قم، ص ۵۱.
۱۶۶. ر.ک: تربت پاکان قم، ج ۲، ص ۱۱۵-۱۱۶: تاریخچه و احکام مساجد و مشاهد قم، ص ۱۹: تاریخ مذهبی قم، ص ۱۳۸-۱۳۹: خلاصة البلدان، ص ۱۸۵: فرهنگ و تمدن اسلامی در قم - قرن سوم، ص ۷۶-۷۷.
۱۶۷. ر.ک: تاریخ قم، ص ۱۴۲-۱۴۵.
۱۶۸. تربت پاکان قم، ج ۲، ص ۱۱۸ - ۱۱۹.
۱۶۹. «سیمای مسجد امام حسن عسکری علیه السلام»، کوثر، ش ۶۰، ۱۳۸۲ ش.
۱۷۰. قرب الإسناد، ص ۳۳، ح ۱۰۶: بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۸، ح ۷: مستطرفات السرائر، ص ۶۲۵.